

# نبرد خلق

## انتشار مجدد نشریه

حدود ۱۰ ماه از توقف انتشار نشریه نبرد خلق گذشت. عدم انتشار نشریه که بنا به تصمیم نشیمن کمیته مرکزی در اواسط آبان ماه ۶۹ و در ارتباط با جنگ خلیج و سنطور اختتامی هزینه‌های مربوطه در جهت سازماندهی هرچه بیشتر نیروهای سازمان در نوار مرزی ایران و عراق و پاسخگویی به ضرورت‌های آن روز مبارزه انقلابی صورت گرفت، قرار بود به مدت ۳ ماه ادامه پیدا کند، که متأسفانه بدلیل ادامه بحران خلیج و بی ثباتی وضعیت منطقه استقراری نیروهای مسلح سازمان تا آخر شهریور ماه اسامیل بطول انجامید. در این مدت که نشریه نبرد خلق نتوانست وظایف خود را در رساندن اخبار و تحلیل‌ها به خوانندگان خود انجام دهد و قایم و اتفاقات مهمی در جهان بوقوع پیوست. مهمترین رویداد بین المللی در یک سال گذشته اشغال کویته توسط نیروهای مسلح عراق بود که لشکر کشی عظیم آمریکا و متحدینش به منطقه را در پی داشت. در پی سابقه ترین و قدرتمندترین بمباران‌های هوایی بر روی کشور عراق و از بین رفتن پتانسیل نظامی این کشور که در تنگنای محاصره دریایی - زمینی و هوایی نیروهای متحدین قرار داشت، عراق بناچار با قبول کلیه شرایط دیکنه شده از طرف آمریکا تسلیم شد و نیروهای خود را از کویته بیرون کشید و بدین ترتیب فرمان آتش بس از طرف روسای جمهور کشورهای درگیر در جنگ داده شد و جنگ خاتمه پیدا کرد. نتیجه مستقیم از این بحران بوجود آمدن صف بندی‌های جدید در منطقه بود. بشکلی که بعضی از کشورهای منطقه از جمله سوریه، در کنار نیروهای عربستان و بعنوان متحد آمریکا بر علیه عراق وارد جنگ شدند. اردن، سازمان آزادیبخش فلسطین بصورت مستقیم و یمن بصورت غیر مستقیم به حمایت از عراق پرداختند. خاتمه جنگ خلیج و تضعیف شدن عراق

در صفحه ۲

## بیانیه شورای ملی مقاومت

به مناسبت هفتمین سالگرد

تاسیس شورای ملی مقاومت ایران در صفحه ۵

## مذاکرات مربوط به خودمختاری کردستان عراق

دور جدید مذاکرات بین دولت عراق و جبهه

احزاب کردستان عراق از ۱۹ تیرماه اسامیل آغاز شد. جلال طالبانی یکی از رهبران این جبهه به همراه هیئت اعزامی جبهه به ریاست سعید بارزانی روز ۱۹ تیر اسامیل وارد بغداد شد و پس از دیدار با رئیس جمهور عراق و انجام چند مباحثه و گفتگو و ابراز خوشبینی نسبت به چشم انداز مذاکرات بغداد ارتك و پس از اقامت چند روزه در کردستان عراق تا روز یکشنبه و پنجشنبه کشور اروپایی لندن روزنامه الثورة در شماره روز ۲۴ تیر اسامیل خود متن مباحثه جلال طالبانی را چاپ کرده است. وی در این مباحثه می‌گوید: "در گذشته احزاب کردستان قرار شده که اظهارات فقط از جانب نمایندگان سعید بارزانی صورت گیرد، تا از انتشار اخبار نادرست جلوگیری شود. موقعی که به دیدار آقای صدام حسین مشرف شدم، این را صراحتاً می‌گویم که در ماقدم آقای رئیس جمهور گفتگوز ما به سوی توافق پیش می‌رود، زیرا به تاکید در پی تعمیق برادری عرب و کرد و تحکیم وحدت ملی مردم عراق می‌باشد و این عامل مهمی است به نظر من و همین امر را و امید دارد که خوشبین باشم، چنانکه به خبرنگاران گفتم، دیدار عالی بود و من خوشبین هستم".

وی همچنین در جواب این سوال که آیا روی چسبزی توافق کردید؟ می‌گوید: "بله توافق حاصل شد و واقعیت

در صفحه ۹

## بحران شوروی

رسانه‌داران جدید و به نفع رئیس جمهور این فدراسیون پیش رفت. یلستین رئیس جمهور فدراسیون در مقابل پارلمان جمهوری روسیه از مردم خواست تا به حمایت از گورباچف به اعتصاب عمومی دست برندارند. او در اردن تازه وزیر خارجه سابق شوروی و الکساندر باکولوف از مشاورین پیشین گورباچف از این دعوت پشتیبانی به عمل آورده و گفتند در مقابل دیکتاتوری جدید مقاومت خواهند کرد. نیروهای نظامی شوروی بلافاصله دفاتر خبرگزاری رسمی شوروی (تاس) و دفاتر روزنامه‌های

در صفحه ۱۰

خبرگزاری تاس در روز دوشنبه ۲۸ مرداد برابر با ۱۹ اوت ۹۰ اعلام کرد که گورباچف رئیس جمهور شوروی به دلیل خستگی از کار کناره گیری کرد و گداندی پانایف معاون وی در اس بلا کمیته دولتی زمام امور را بدست گرفته است. این خبر همانطوریکه پیش بینی می‌شد نتوانست کسی را تریب دهد و بلافاصله با عکس العمل مخالف طرفداران گورباچف روبرو گردید.

بدنبال انتشار این خبر در مسکو تعدادی از طرفداران گورباچف به تظاهرات پرداخته و جلوی پیشروی مسک ستون زرهی را گرفتند. در جمهوری روسیه اوضاع به شر

## ها و سه جریان اجتماعی جامعه ایران

طی یکسال گذشته رویدادهای عظیمی در سطح جهانی و منطقه‌ای صورت گرفته و جهان ما آستان حوادث بزرگتری است. اوضاع در خاورمیانه همچنان بحرانی و هیچکدام از مسائل این منطقه حل نشده است. نیروهای اجتماعی گوناگونی در رویدادهای اخیر شرکت دارند که توجه به حرکات و جهت گیری‌های آنها، برای ما که انقلاب ۲۲ بهمن را تجربه کرده‌ایم نکات مهمی را روشن می‌کند. فعالیت موثر نیروهای اجتماعی وابسته به جنبش بنیادگرای اسلامی در منطقه خاورمیانه، ضعف نیروهای ترقیبخواه و سرانجام ندرست داشتن ابتکار عمل توسط نیروهایی که جهت گیری آنها منطبق با نیازهای این یا آن بخش از انحصارات سرمایه‌داری جهانی است، کلی ترین صف بندی‌ها در منطقه خاورمیانه مشخص می‌کند. مسوئلی‌ها و تشنه‌هایی که بین جریان‌های فوق در این یا آن رویدادهای مخالفت قدرت‌های بزرگ و منافع متضاد آنها در این منطقه، اوضاع را هرچه پیچیده‌تر می‌نماید.

در صفحه ۴

## قطعنامه

### در محکومیت رژیم خمینی

متن کامل قطعنامه سوکمیسیون "منع تبعیض" ملل متحد

در صفحه ۴

## اخبار رویدادهای سیاسی

- شروع سال تحصیلی جدید و سیاست‌های سرکوب رژیم
- ترور شاپور بختیار در پاریس
- حجاب اسلامی
- کمینود و گران
- لغو قرارداد فروش تانک
- بحران بوگسلاوی
- شوروی

در صفحات ۱۲ و ۳

## اخبار مقاومت

- دعوت به الجزایر
- تظاهرات مردم زنجان
- پیام مسئول شورای ملی مقاومت
- تهاجم پاسداران رژیم به قرازگاه مروارید
- اعدام مجاهدین
- تشنجات در ایران
- تدارک رژیم به منظور حمله به پایگاه‌های ارتش آزادیبخش ملی

در صفحات ۱۲ و ۳



## انتشار مجدد نشریه

از صفحه ۱

برای رژیم خمینی که از پیکل این بحران در عرصه سیاسی ظاهراً به نوازش رسیده بود نتایج دلخواه را بدست نیاورد. رژیم آخوندی و در رأس آن خاسمه‌های ورفسنجانی که بر روی سرنگون شدن حکومت عراق حساب باز کرده بودند، شخصیت نظامی عراق را موهبتی برای خود پنداشته و فرصت را برای صدور اوتاج به این کشور غنیمت شمرده. به همین منظور رژیم با تزریق نیروهای پاسدار به شمال این کشور در منطقه کردستان عراق و در جنوب کربلا، شیعیان عراق ساکن هستند به حمایت تام و تمام از حرکات نیروهای مخالف حکومت عراق پرداخت.

هدف رژیم از این اقدام سرنگونی حکومت عراق و به روی کار آوردن رژیم اسلامی دست نشانده و همجنسین از زمین برین نیروهای ارتش آزاد میخشد ملی ایران مستقر در منطقه مرزی بود. رژیم با خیال آسوده و باتکمه به سرگشای پاسداران خود سرعت و با آوردن تعدادی اتوبوس برای انتقال اسیران ارتش آزاد میخشد! به داخل ایران به پیشروی به طرف خاگ عراق پرداخت ولی در مقابل به واحد زرعی ارتش آزاد میخشد چنان شکست سختی خورد که با دادن تلفات بسیار مجبور به عقب نشینی بیفشانده به داخل خاک ایران گردید. جریان‌های مختلف کردی در شمال عراق که با حمایت آشکار سادی نظامی رژیم خمینی چنگار بر علیه حکومت مرکزی آنجا کرده بودند در مقابل با ارتش عراق و با بهم خوردن تعادل قوا این به مذاکره دانه و این مذاکرات هنوز ادامه دارد. ارتش عراق در جنوب نیز توانست شیعیان را که بوسیله رژیم خمینی حمایت کامل می‌شدند شکست دهد.

کشور ما در عرض ده ماه گذشته همچنان شاهد وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی بود که قربانیان آن توده‌های زحمتکش و کارسندان و کارگران دولت بودند. گرانی و کمبود کسه در اثر بی‌کفایتی و بی‌تجارتی سردمداران رژیم روز بروز افزون‌تر می‌شود، مردم را و افکار کرده است که بیشترین وقت خود را در طلب تکه نانی به این دروان در بزنند. مشکل آب و برق و مسکن در شهرهای بزرگ میهنمان بیداد می‌کند. اجاره خانه‌ها پشت بالا رفته و دولت مزدور نه تنها هیچ چاره‌ای در این مورد نماندیشیده بلکه با اعمال سیاست‌های حیارانه با افزایش قیمت‌های کالاها و ساسی عرصه را تنگ‌تر کرده است.

افزایش اختلافات بین جناح‌های رژیم در این مدت گذشته بارها به درگیری بین نیروهای انتظامی رژیم و افراد موسوم به "حزب الهی" منجر گردیده و در این رابطه تظاهرات غیر مجاز طرفداران جناح‌های رژیم به وفور بچشم می‌خورد. منجر و لایه سران رژیم از جمله رفتن جناب و خامنه‌ای برای فرونشاندن اختلافات جناح‌ها نتیجه مثبتی در بر نداشته و هرکسی حرف خودش را می‌زند.

با آزاد شدن اسرای جنگی که بدنیال توافق عراق صورت گرفت مشکل دیگری بر مشکلات رژیم شد. مرده‌های افروخته شده سنگ اندازی‌ها و سوانح مشخص که رژیم در این مورد ایجاد کرد حکایت از نداشتن برنامه برای اسرای آزاد شده می‌کند.

کمبود فضای آموزشی برای دانش آموزان نه تنها در تهران که در اقضا نقاط کشور بچشم می‌خورد، بصورتی

که در شهر کوچک کهنوج در استان کرمان طبق گزارش ارگنهای خود رژیم ۲۰۰ مرده در زیر درختان و کپرها دایر شده است.

بلاهای طبیعی از جمله زلزله و سیل در سال گذشته بیشترین مدمات جانی و مالی را به مردم کشور وارد کرد. عدم توان رژیم در رساندن کمک به مناطق زلزله زده در استانهای گیلان، کرمان، فارس، بوشهر، خراسان و آذربایجان عظیم ترین تلفات را برجای گذاشت. طغیان رودخانه‌ها و ایجاد سیل نیز در استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان، فارس، چهارمحال بختیاری و غیره و عدم پرداخت رژیم به این معضل خسارات فراوانی بعمل آورد.

بر رژیم سرکوب آزادی‌ها و اعدام‌های روزمره، رژیم آدمکش حاکم بر ایران دمی آسوده نبوده و سیاست سرکوب خود را با شدت اعمال کرده است. اعدام زندانیان سیاسی و عقیدتی تحت عنوان قاچاقچیان مواد مخدر یکی از ترفندهای شناخته شده رژیم در سال گذشته همچنان ادامه داشته که با تلاش خستگی ناپذیر نیروهای مقاومت افشا شده و در جماع بین المللی دست رژیم در این رابطه رو گردیده است. گزارش سازمان عفو بین المللی که در رابطه با اعدام‌ها در ایران صادر گردیده، "یک کمیسیون مرکب در ایران طی ۳ سال اخیر بیش از ۵ هزار نفر را به بالای چوبه دار فرستاده است." محکومیت رژیم بخاطر نقض حقوق بشر در یکسال گذشته در مجامع مختلف حقوق بشر ملل متحد و سازمان‌های دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و پارلمان اروپا بی وقفه ادامه داشته و طرح ترفندهای مختلف رژیم اعم از تهدید و تطمیع دولت‌های اروپایی و گروهان گیری اتباع کشورهای اروپایی در لبنان، الجزایر، در مقابل فشار افکار عمومی خود که نتیجه فعالیت‌های همسایه جنبه هواداران مقاومت بود نتوانستند به توافق‌های پنهانی که خواست رژیم خمینی بود بپردازند و نتیجتاً رژیم را محکوم نمودند.

از مهمترین رویدادهای داخلی در سال گذشته اعتصاب و اعتراض فراگیر معلمان و دانش آموزان کشور. مان بود که در مدت کوتاهی بسط پیدا کرد. در شهرهای ارومیه، تبریز، اهواز، یزد، نجف آباد، اصفهان، کرمان، زاهدان و غیره معلمان کشورمان در اعتراض به سیاستهای آموزشی اعمال شده از طرف رژیم وضع زندگی فقیرانه خود به اعتصاب دست زدند که با حمایت وسیع دانش آموزان روبرو گردید و در بیشتر جاها به درگیری بسا نیروهای رژیم منجر گردید و تعداد زیادی از معلمان و دانش آموزان دستگیر و روانه زندان‌ها شدند.

در اعتراض به افزایش قیمت بلیط اتوبوس‌های شهری که از ۱۰ ریال به ۵۰ ریال در بعضی از خطوط اتوبوسرانی شهر تهران افزایش یافت مردم بجان آمده پایتخت در طول میدان بهارستان تا میدان جمهوری به خیابان‌ها ریخته و با دادن شعارهای مخالف با مأمورین رژیم به زد و خورد پرداختند. ادامه این تظاهرات به شدت بالا گرفت و رژیم مجبور به برجیدن بساط اتوبوس‌های ۵۰ ریالی و بازگشت به بلیط‌های معمولی ۱۰ ریالی گردید.

در تظاهرات دیگری در تهران که بدنیال خراب کردن آلونک‌های مردم صورت گرفت هزاران نفر شرکت کردند و بر علیه رژیم شعار دادند. در درگیری‌های مردم اصفهان با مأموران کنترل حجاب که در پی دستگیری زن به بهانه

بدجایی صورت گرفت ۳۰۰ نفر در یک روز دستگیر شدند. این اعتراضات و مقابله دلیرانه مردم کشورمان گوشه‌ای از اعتراضات روزمره بر علیه رژیم خونخوار خمینی است که بقایای بوسیده آن سعی در با ثبات نشان دادن آن دارند. افزایش تضادهای باند‌های رژیم و تضاد مشخص دولت با بازار، آتش سوزی‌های مہمی و در بازار تهران به دنبال داشت که میلیاردها ریال خسارت به بار آورد. بحیب گذاری در بازار رشت نیز از همین زاویه صورت گرفته و نشان دهنده اوج ضعف رژیم در مهار بحران‌های لاعلاج رژیم است.

تلاش‌های رژیم در جذب نیروهای منخمن ایرانی در خارج کشور نیز با وجود تضادهای جناح‌های مختلف و فقر بیسایقه و کمبود در ایران نتیجه نفاذ است. در عرصه بین المللی رژیم خمینی با هدف جذب حمایت دولتهای اروپایی تحرکاتی داشت که هیچ میوه مادی در بر نداشته و به رسوایی بیشتر رژیم که تلاش‌های وی در وارد کردن اورانیوم غنی شده برای دست یابی به بمب اتمی برای مقاصد ماجراجویانه نقش بر آب شده بود، منجر شد.

رژیم خمینی که بقایش در موجود آوردن بحران و ایجاد رعب و وحشت و ترور خلاصه شده در یکسال گذشته دست به ترورهای متعدد سیاسی در خارج از کشور زد که از آن جمله می‌توان ترور شاپور بختیار آخرین نخست وزیر شاه و معاون وی سیروس السی که از رهبران "بخت مقاومت ملی" درباریس بودند و قتل یکی از مترجمان کتاب آیات شیطانی در ژاپن و زخمی شدن یک مترجم دیگر در ایتالیا نام برد. این قتل‌ها که با اسلحه سرد صورت گرفته‌اند، نشان‌دهنده اوج قساوت و بی‌رحمی مأموران اغزامی رژیم برای ترور به خارج کشور هستند. متأسفانه معاشات بعضی از دولتهای اروپایی که منافع اقتصادی خود را در رابطه با ایران پیدا کرده‌اند، دست رژیم را در انجام این اعمال باز گذاشته است.

الزوم بردخالت‌های روشن در امور داخلی کشور عراق، رژیم خمینی تلاشهایی را در کمک به نیروهای اسلامی مخالف دولت الجزایر سازمان داد که منجر به و خیم شدن اوضاع در الجزایر و در نتیجه تشنج در روابط فی مابین گردید.

خیزش عمومی توده‌های مردم هر روز اوج تازه‌ای می‌یابد. تظاهرات و اعتراضات مردم در شهرهای کرمانشاه تهران، قم، اصفهان، شیراز، زنجان، قزوین، تبریز، قاشم شهر، ساری، آمل که با شعارهای مرگ بر رفسنجانی و خامنه‌ای مشخص می‌شود در ماه گذشته کنترل اوضاع را از دست رژیم خارج کرده و رژیم مجبور شده در بعضی از شهرها حکومت نظامی غیر رسمی اعلام کرده و در بعضی دیگر مثل شهر زنجان از واحدهای تانک و زرهی برای سرکوب مردم استفاده کند.

در ده ماه گذشته مسائل و اتفاقات مهم دیگری در سطح بین المللی اتفاق افتاد که از آن جمله تمویض اکثر دولتهای کمونیست اروپای شرقی و روی کار آمدن دولت‌های غیر کمونیست، انجام انتخابات دمکراتیک و آزاد در بعضی از کشورها و خلق سلاح نیروهای مسلح در لبنان که با همکاری سوریه و ارتش لبنان صورت گرفت. انجام اقداماتی از طرف آمریکا در جهت برگرداندن کنفرانس صلح خلیج فارس برای حل مسئله فلسطین که در حال حاضر بدلیل مخالفت اسرائیل با شرکت سازمان آزادیبخش فلسطین در این کنفرانس به حالت راگند



### اخبار و رویدادها....

#### لغو قرارداد فروش تانک از صفحه ۱۲

بدینال لغو قرارداد فروش ۵۰۰ دستگاه تانک تی-۵۲ به رژیم خمینی از طرف دولت چکسلواکی، مطبوعات وابسته به رژیم این اقدام دولت چکسلواکی را در ارتباط با خواست آمریکا دانسته و دولت این کشور را دنباله رو سیاست های آمریکا دانستند. تانک های تی-۵۲ از سری تانک های از رده خارج شده چکسلواکی بود، که طبق قراردادی می بایست به ایران تحویل داده شوند.

### اخبار مقاومت

#### اخبار زیر اطلاعاتی سازمان مجاهدین خلق گرفته شده است.

#### دعوت به الجزایر

به دعوت رسمی دولت الجزایر، هیاتی از جانب مقاومت ایران به سرپرستی آقای محمد سیدالستدین طی یک سفر ۶ روزه به این کشور با مقامات مختلف الجزایر دیدار و گفتگو نمود. در این هیئت آقایان سادر رفیعی نواد، افشین علوی و بهزاد نظیری نیز شرکت داشتند که به گرمی از طرف مقامات الجزایری مورد استقبال قرار گرفتند. هیئت اعزامی مقاومت ایران در ملاقات با آقای آیت شلال مشاور اول مذاکراتی در خصوص تشکیل یک جبهه ضد ارتجاعی و ضد بنیادگرایی علیه رژیم خمینی در جهان اسلام و کشورهای منطقه تاکید نمود که با استقبال مشاور رئیس جمهور الجزایر روبرو گردید. در دیدارهای دیگری که با نمایندگان کان رئیس جمهور الجزایر و مقامات وزارت خارجه این کشور صورت گرفت هیئت مقاومت ایران ضمن انتقاد از عملکرد دولت الجزایر در ۱۲ سال گذشته در رابطه با رژیم خمینی، به اقدامات تروریستی و مذبذبانه و مذبذگانه و دخالت در امور داخلی الجزایر توسط رژیم خمینی اشاره کرده و قسم رژیم را در برقراری "حکومت اسلامی" در این کشور افساد نمودند. متقابلاً مقامات الجزایری پاسخ خود را از سوء استفاده رژیم خمینی از روابط دیپلماتیک خود با الجزایر و ابراز داشتن و خواستار ادامه دیدارها و گفتگوهای متقابل گردیدند.

#### تظاهرات مردم زنجان

در تظاهراتی که توسط مردم زنجان بر علیه رژیم در تاریخ ۲۴ مرداد صورت گرفت بیش از ۳۰ هزار تن از مردم این شهر شرکت داشتند. در درگیری مردم با پاسداران اعزامی ۵ نفر کشته و ۲۰۰ نفر زخمی و تعداد زیادی مجروح گردیدند. بر اساس این گزارش در تاریخ ۱۰ آوت در شهر جوانرود، ۸۰۰ کیلومتری کرمانشاه و در شهر کرمانشاه نیز تظاهراتی بر علیه رژیم صورت گرفته است.

#### پیام مسئول شورای ملی مقاومت

آقای سعید رجوی مسئول شورای ملی مقاومت در پیامی خطاب به مردم ایران با اشاره به تظاهرات گسترده مردم در شهرهای سراسر کشور گفت: اگر امروز دیگر افسانه های میانه روی و بازسازی رفسنجانی کسبی را نمی فریبید، آقای سعید رجوی در دنباله پیام خود ضمن درود بر مردم مقاوم و بیباخته شهرهای مختلف ایران تاکید کرد: "تظاهرات مردم در سراسر ایران زنده ساز و مقدمه آزادی ایران بدست ارتش آزادیبخش ملی است".

#### تهاجم پاسداران رژیم به قرارگاه مروارید

در تاریخ دوشنبه ۲۸ مرداد یک گروه از پاسداران رژیم به قرارگاه مروارید واقع در شمال جولا اشغال قرنی بغداد با تانک و مسلسل حمله کرده که با مقاومتی از سوی رزمندگان ارتش آزادیبخش پایه قرار گذاشتند. در این درگیری یک رزمنده ارتش آزادیبخش از ناحیه پا زخمی شد.

#### اعدام مجاهدین

بنا بر گزارشات رسیده از ایران ملایان طی هفته های اخیر ۲ نفر از هواداران مجاهدین به نامهای بدالله پاکبند ۳۰ ساله، دانشجو و بدالله خسروی ۳۵ ساله معلم در شهر ایلام اعدام شده اند. همچنین احد سدیان از هواداران شناخته شده مجاهدین نیز در تاریخ ۱۷ آووشن در شهرت اعدام شده است.

#### تشنجات در ایران

بنا به گزارشات متعدد دریافتی از داخل ایران، تشنجات هفته های اخیر، اکنون ابعاد بی سابقه ای بخود گرفته و به سراسر کشور گسترش یافته است. اعتراضات که منجر به داخلی سپاه پاسداران نیز گردید "افزایش محسوس" آن تاکید دارند، در اشکال گوناگون منجمله شعار نویسی علیه خانیماهی و رفسنجانی، پاره کردن عکس خمینی، تظاهرات، آتش زدن بانک و بیسپ بترین، اعتصاب وحشی عملیات سلحخانه بروز می کند.

تربت حیدریه: آخوند رضائی یکی از مسئولین بلند پایه رژیم خمینی در استان خراسان از یک حمله مسلحانه جان سالم بدر برد. در این حمله حداقل ۵ کلوله به سمت وی شلیک شد.

فرد: بیش از ۲ هزار تن از کارگران سیمان درود (استان لرستان) دست به اعتصاب زده و خواستهای خود را به صورت طوماری برای مجلس رژیم فرستاده اند. در ادامه این اطلاعیه اخبار چرکات، اعتراضات و شعار نویسی هادر شوشتر، در فول، خرم آباد، بروجرد، درود، ملایر، بستان قائم شهر و بندرانزلی اعلام شده است.

#### تدارک رژیم به منظور حمله به پایگاههای ارتش آزادیبخش ملی

طبق اطلاعاتی که در تاریخ ۱۴ شهریور انتشار یافت سازمان مجاهدین خلق اعلام کرد که "رژیم خمینی مترجم جمله به مجاهدین در منطقه جلولا" است. در اطلاعیه آمده است: "بر اساس اطلاعات موثق، رژیم ضد دشمنی خود را با استفاده از به تعویق انداختن توافق بین افراد عراقی و دولت این کشور در تدارک عملیات نفوذی و دست اندازهای مجدد به خاک عراق اتفاهم اکنون گروهی از پاسداران رژیم خمینی در منطقه کلان مستقر شده و با همکاری یک گروه مشخص - که در گذشته نمر همراه با پاسداران در کشتار مجاهدین شرکت فعال داشته دست اندازگان تدارک یورش جدیدی به مجاهدین و پایگاه های ارتش آزادیبخش ملی ایران در منطقه جلولا می باشد".

#### بحران یوگوسلاوی

درگیری بین نیروهای گرووات و صرب در جمهوری کرواسی یوگوسلاوی همچنان ادامه دارد. درگیری از این درگیری ها که برای کنترل شهر طیاله در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی زاگرب بوقوع پیوست. بیش از ۳۰ نفر کشته شدند. تلاشهای دولت یوگوسلاوی برای پایان درگیری ها در این جمهوری هنوز به نتیجه نرسیده است.

بحران یوگوسلاوی که از جمله مهم ترین بحران های موجود در جهان است قطب بندی های جدیدی در اروپا به وجود آورده است. یوگوسلاوی کشوری است کشور آلمانی با مجموعه ای از نژادها و زبان ها و مذاهب که شامل صرب ها، کرووات ها، اسلووانی ها، هائونرکپا می باشد. اختلاف بین صرب ها و کرووات ها ریشه های تاریخی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی دارد که با دخالت های کشورهای خارجی تشدید می شود. بحران های درونی حزب کمونیست و همسوئی طلبی صرب ها در ارتش و دستگاه دولتی یوگوسلاوی از عوامل دیگر این درگیری ها می باشد.

#### شوروی

میخائیل گورباچف رئیس جمهور شوروی در بازگشت به قدرت در اولین اقدام خود، حزب کمونیست ایمن کشور را منحل نمود. وی در همین حال از دولت خود خواست که استعفا دهد و الکساندر سمرتیچ وزیر خارجه شوروی را از کار برکنار نمود. ایوان سیلاب نخست وزیر قدر امین روسیه از طرف گورباچف مأمور تشکیل دولت تازه اتحاد شوروی شد و وادیم باکاتین به ریاست سازمان کم. که به منصوب گردید. (وادیم باکاتین) قبلاً وزیر کشور شوروی بود و از مخالفین کودتای چچان بحساب می آمد. مارشال سرگئی آخرومیف) مشاور نظامی گورباچف در مسکو خودکشی کرد. برادرا ارکان حزب کمونیست شوروی به همراه پنج روزنامه ملی دیگر که بیانیه کودتای راجاپ کرده بودند به فرستادن بلنسن بطور موقت تعطیل شدند. طبق گزارشات رسیده (نیگلای بقموت) رئیس هیئت تحریریه روزنامه ایوستیا نیز به اتهام همکاری با کودتایگران توسط هیئت تحریریه این روزنامه اخراج گردید. (آنتولی لوکیانف) رئیس شورای عالی که از طرف ایوان سیلاب نخست وزیر قدر امین روسیه بعنوان مغز متفکر کودتای چچان معرفی شده بود تقاضای استعفا نمود. تلویزیون روسیه مصاحبه هایی با روسیه ایوان کودتا بخش کرد. در این مصاحبه ها، (والنتین بولف) نخست وزیر سابق، (واسیلی استارودویتس) و استاروویتس، دبیر شورای بازو وزیر دفاع، و ولادیمیر کروچکف رئیس سابق کم. که ب شرکت داشته و از اعمال گذشته خود اعتراف می نمایند.

نموندن پارلمان شوروی در اجلاس فوق العاده خودتشکیل کنفره نمایندگان خلق، با لاترین مرجع قانونی شوروی را در روز دوم سپتامبر تصویب رساند که در چارچوب مذکور باید به اهدافی سیاسی گوناگون با فرجام غلبه گورباچف مورد بررسی قرار گیرد. نیگلای دیمتری رئیس جمهور بیلوروسی از مقام خود استعفا کرد. رهبر بلوروسی به دلیل عدم مقاومت در برابر کودتا مورد حسد گسترده قرار گرفته بود. یوگنی شاپوشینکف وزیر دفاع جدید شوروی گفت که هشتاد درصد فرماندهان عالی ارتش کشور برکنار خواهند شد. ونیروهای اتنی کشور در کنترل جمهوری هایی که از شوروی جدا می شوند نخواهد بود. گورباچف در پارلمان شوروی گفت که تسویه حساب با بانکین که سمت وزیر خارجه شوروی انتخاب گردید. سابق شوروی در چکسلواکی بود تنها سفیری بود که کودتای تقیح کرد. وی شمت سال دارد و سابقاً روزنامه نگار بوده است. در این حال اتحاد اوکرایین و قدر امین روسیه یعنی دو جمهوری بزرگ شوروی بنا ایجاد یک اتحادیه دولت اقتصادی و نظامی موفقیت کردند. گورباچف طی فرمانی فعالیت های سیاسی را در نیروهای مسلح شوروی، کم. ک. ب و وزارت کشور ممنوع کرد. در نخستین روز اجلاس کنفره نمایندگان خلق گورباچف نواختن حمایت نظامی ۱۰ جمهوری را از پیشنهادات خود کسب نماید پیشنهاد مربوط به برقراری اتحاد جدید در شوروی با ۱۳۵۰ رای موافق در مقابل ۱۲۵ رای مخالف به تصویب کنگره خلق رسید. گورباچف ضمن پیشنهاد انحلال پارلمان شوروی دستور تشکیل کاره مستقل ریاست جمهوری را برای حفاظت خود و پیشین صادر کرد. مورسی بانکین وزیر خارجه شوروی در گفتگو با شبکه تلویزیونی سی ان ان - ان آمریکا خواستار یک کمک ۱۰۰ میلیارد دلاری از غرب شد. وی گفت شوروی با تغییراتی مواجه است که در صورت جهان تاثیر دارد.

#### ممنوعیت قطعنامه سوکمیسیون "منع تبعیض" ملل متحد

در محکومیت رژیم خمینی کمیسون فرعی حقوق بشر وابسته به سازمان ملل متحد در ۲۰ شهریور جمعه اول شهریور ماه مطابق با ۱۲۲ آوت پیش نویس قطعنامه ای را در اینر محکومیت رژیم خمینی به خاطر نقض حقوق بشر با ۹ آرای موافق از مجموع ۲۱ نماینده حاضر و در ای مخالف به تصویب رساند. متن کامل این پیش نویس به قرار زیر است.

- ۱۹۹۱/۰۰۰۰ وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران
- باتوجه به قطعنامه مجمع عمومی ۱۷۳/۴۵ در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۱ قطعنامه مارس ۱۹۹۱ کمیسون حقوق بشر ۸۲/۸۲ و قطعنامه ۳۰/۳۰ آوت/ ۱۹۹۰ سوکمیسیون ۱۹۹۰ و بسیاری قطعنامه های دیگر مجمع عمومی و کمیسون حقوق بشر.
- با در نظر گرفتن گزارشات گوناگون سوکمیسیون ویژه حقوق بشر، آقای ریالندو گالیندویل، در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران که در آن به تعداد زیاد اعدام های رسمی و سرکوبی که در کشور حاکم است و نقض حقوق بشر زنان و کودکان اشاره کرده است.
- باتوجه به اینکه آقای گالیندویل اجازه مخالفت از از زندان هایی که مورد درخواستش بود بازدید کرده و با زندانبان مورد درخواستش ملاقات نماید.
- بانگراتی عمیق نسبت به بی توجهی جمهوری اسلامی ایران به تعهدات منفی برده ان اجازه به هتایت از کمیته بین المللی طبیب سرخ جهت بازدید از این کشور و بویژه بازدید از زندان هایش، که برخلاف توصیه سوکد نمایند و بویژه می باشد.
- با ابراز بیعت و بیعت نسبت به تعداد اعدام های رسماً اعلام شده طی ۷ ماه اول ۱۹۹۱ که سه برابر بیشتر از (اعدام های اعلام شده) در مدت مشابه در سال ۱۹۹۰ می باشد.
- با ابراز احتی از اظهارات مقامات قضائیه ایران و قوانین که مبلغ شکنجه زندانبانان و شهروندان عسادی می باشد. و بویژه باناراحتی از اطلاق زندان بلااعلام.
- بانگراتی عمیق از وضعیت وخیم حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، از زمان چهل و هفتمین اجلاس کمیسون حقوق بشر، بویژه دستگیری های خودسرانه اخیر (که هزاران نفر را دربر گرفته)، باتوجه به اینکه وضعیت جامعه سپاهیان در جمهوری اسلامی ایران کماکان موجب نگرانی سیاست است.
- با توجه به اینکه دولت جمهوری اسلامی در پاسخ خود به آقای گالیندویل، اظهار داشت که وی به نحوی به ترور بیوفسور کاتلم رجوی اشاره کرده بود که گرایش (به تأیید) دخالت دولت داشت. و نیز (باتوجه به) اینکه محاکمه جنایی در سویش علیه یک روزنامه نگار که همین ادعا کرده بود، (باتوجه به حکم دادگاه پلیس



## ماوسه جریان اجتماعی جامعه ایران

ارمنده

شاید متحول جهانی و منطقه‌ای بزرگان اجتماعی جامعه ایران تاثیر تشدید کننده گذاشته و نیروهای اجتماعی جامعه ایران را هر چه فعال تر می‌سازد. در شرایطی که مردم ایران زیر بار فشار اقتصادی و اجتماعی و تغییر تم سرتکوب شدید رژیم آخوندی، به حرکت اعتراضی دست می‌زنند، برای مارکسیست - لنینیست - های ایران چگونگی برخورد با نیروهای اجتماعی جامعه ایران اهمیت درجه اول پیدا می‌کند. در واقع چگونگی برخورد ما با نیروهای اجتماعی جامعه ایران، جایگاه ما در صف بندی های اجتماعی را مشخص می‌کند. تجربه انقلاب ۲۲ بهمن نشان می‌دهد که جریان مارکسیستی نتوانستند جایگاه واقعی خود را در نیروهای اجتماعی جامعه ایران در یابند، این ضعف نیروهای مارکسیستی، رانندگی بحساب خصلت پوپولیستی انقلاب ۲۲ بهمن و فقدان سرزندگی در جنبش عمومی مردم که بصورت یک واقعیت عینی عمل می‌کرد گذاشت. این ضعف نیروهای مارکسیستی، ناشی از عقب ماندگی عامل ذهنی و فقدان توان لازم در رهبری سیاسی نیروهای مارکسیستی است. فقدان سرزندگی روشن در انقلاب ۲۲ بهمن امری است که باید بدان پرداخت و بر اهمیت این نقطه ضعف جنبش تاکید نمود. اما این نقطه ضعف در شرایط عینی جنبش نباید مازاه سنت این تحلیل که ضعف های نیروهای مارکسیستی ناشی از وجود شرایط عینی مشخص و بنابر این امری جبری بوده، سوق دهد. انقلاب ۲۲ بهمن یک رویداد عظیم در جامعه ایران بود. جامعه ایران را در گروگون نمود و اسبوه مسائل و پدیده‌های خفته جامعه ایران را بیدار و فعال نمود. در این انقلاب، همچون انقلاب مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت، شهرها کانون اصلی جنبش بود. انقلاب ۲۲ بهمن، یک انقلاب همگانی و تمام خلقی بود. این جنبه از انقلاب ایران دارای دو وجه متضاد بود. وجه مثبت آن اتحاد گسترده توده‌های مردم علیه دیکتاتوری شاه بمثابة دشمن عمده مردم ایران در آن مرحله و وجه منفی آن، فقدان هویت مشخص سیاسی - اجتماعی بخش های وسیعی از حرکت کنندگان در انقلاب بود و نتایجی که به توده‌های مردم بر می‌گردد، اکثریت شرکت کنندگان در این انقلاب نمی‌دانستند که چه چیزی را میخواهند. جانشین دیکتاتوری شاه کنند و چرا؟ اتحاد توده‌های مردم، با شعار "مرگ شاه" دارای مرزهای روشن اجتماعی - سیاسی نبود، و گرچه نه مطلقا، اما حتی آن بخش از شرکت کنندگان که شعار "جمهوری اسلامی" به آنان تحمیل شده بود، درک روشن و بیلتانم اعلام شده‌ای از جمهوری اسلامی مورد نظر خود نداشتند. از آنجا که در هر وحدت ضروری که جنبه‌های متضاد آن روشن نباشد و مرزهای معینی از نظر عینی بین نیروهای وحدت کننده نامعین و سخندوش خواهد بود و بنا بر این توده‌های مردمی که در این وضعیت به گردهم جمع شده‌اند را بخوبی می‌توان فریب داد و آرزوهایشان را بر باد داد، بدون اینکه دقیقا بدانند که چرا به جنبش وضعی دچار شده‌اند. بحر خمینی و نیروهایی که رابطه ارگانیک و دنگانگ با او داشتند، جریانات سیاسی شرکت کننده در انقلاب ۲۲ بهمن، از این نقطه ضعف برخوردار بودند که با هویت واقعی و برنامه مشخص خود در انقلاب شرکت نکردند. بخشی از نیروهای

سیاسی از این لحاظ از پایگاه اجتماعی خود که منطقا باید با آنان رابطه ارگانیک می‌داشتند، عقب تریوند. در چنین شرایطی خمینی و جریان وابسته به او با بهره گیری از مجموعه تشادهای داخلی و بین المللی و نیز نقاط ضعف جنبش و بویژه بخش دمکراتیک آن، ابتکار عمل را در دست گرفت و پس از آنکه رژیم سلطنتی سرنگون شد، بشریح حاکمیت و ولایت فقیهه را مستقر ساخت.

انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷، ادامه جنبش دمکراتیک مردم ایران که از آستانه انقلاب مشروطه آغاز و در مسیر خود جنبش ملی شدن صنعت نفت راپشت سر گذاشته بود، است. جامعه ایران از آغاز قرن اخیر بیک تحول دمکراتیک نیازمند بود. این نیاز با شکست انقلاب مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت و نیز شکست دهها جنبش سراسری و منطقه‌ای، نه فقط از میان نرفت، بلکه بویژه با تحولات موسوم به "انقلاب سفید" و رژیم ارضی، با شدت وحدت بیشتری خود را نشان می‌داد. از همان زمان که تحول دمکراتیک به یک نیاز مبرم جامعه مانتبدیل شد، سه جریان اصلی در جامعه ایران شکل گرفت. در واقع بیه بیان درست تر، وجود سه جریان اجتماعی در جامعه ایران، درجه رشد و تکامل آن، خود علت اصلی چنین نیازی بود. هست. این سه جریان اجتماعی گرچه از انقلاب مشروطه تا انقلاب ۲۲ بهمن از نظر کمیت، کیفیت، موقعیت سیاسی، میزان رشد و توانایی های عملی و نیز تاثیر بر تحولات داخلی و بین المللی دچار تحولات متعددی شده‌اند، اما در خطوط اساسی و ژرفنمایی ترین عناصر هویتی خود، همچنان ثابت بوده و یکی از زیر می‌توان آنرا بطور خلاصه جمع بندی نمود.

۱ - جریان ارتجاعی: از نظریات اجتماعی این جریان بخش سنتی جامعه را تشکیل داده و ریشه آن در مناسبات فئودالیستی و ماقبل سرمایه‌داری دارد. بخش سنتی بورژوازی تجاری (بازار) و بخش سنتی خرورده بورژوازی، مالکین زمین، بخش عظیمی از روحانیون پایه اجتماعی این جریان را تشکیل می‌دهند. نماینده چنین جریانی در انقلاب مشروطه، شیخ فضل الله نوری و در جنبش ملی شدن صنعت نفت، آیت الله کاشانی و جریان "فدائیان اسلام" بود. در انقلاب ۲۲ بهمن ضررم روحانیت معتقد به ولایت فقیه به رهبری خمینی، نماینده این جریان بود که ضمنا رهبری جنبش مردمی را در دست گرفت. تحولات موسوم به "انقلاب سفید" از آنجا که بیک تحول بنیادی، موزون و دمکراتیک نبود، علیرغم شراتی که به این بخش وارد آورد، نتوانست آنرا از بین ببرد و به میزانی آنرا در جنبش ضد دیکتاتوری تقویت نمود. مخالفت این جریان با دیکتاتوری شاه، نه بخاطر تحقق دمکراسی، بلکه بخاطر این بود که دیکتاتوری شاه اساسا در زمینه سیاسی و اقتصادی و تا آنجا که می‌توانست و تعادل قوای عینی اجازه می‌داد، دست این جریان را در امور اقتصادی بسته بود. پس از انقلاب بهمن این جریان حاکم می‌شود و به تدریج در، اثر تحولات جامعه دسته بندی های مرونی آن اشکال مشخص تری بخود می‌گیرد. پس از مرگ خمینی در درون دستگاه حاکمه، گرایش در جهت دوری از بنیاد - های ولایت فقیه و نزدیکی با جریان وابسته گرا شکل می‌گیرد.

۲ - جریان وابستگرا: اساسی ترین خصلت این

جریان اینست که بر اساس منافع بیک قدرت بزرگ خارجی حرکت می‌کند. از نظریات اجتماعی این جریان در تقابل با بخش سنتی جامعه و برای قرار دادن مناسبات سیاسی - اقتصادی ایران در مدار انحصارات بین المللی شکل گرفته. ریشه در مناسبات سرمایه‌داری امپریالیستی دارد. بخش های اصلی بورژوازی ایران که طی دوران پس از انقلاب مشروطه بتدریج وابسته به انحصارات بین المللی شدند و بویژه پس از شکست جنبش ملی شدن صنعت نفت و سرنگونی حکومت ملی و دمکراتیک دکتر محمد مصدق سرعت به سرمایه جهانی وابسته و با تحولات موسوم به "انقلاب سفید" پایه‌های خود را محکم کردند، همراه با اقشاری از بورژوازی کراسی سیاسی و نظامی و نیز بخش هایی از روحانیون پایه اجتماعی این جریان را تشکیل می‌دهند. در ساز سلطنتی از بدو انقلاب مشروطه تا انقلاب بهمن، اساسا این جریان را نمایندگی می‌نمود. در انقلاب ۲۲ بهمن این جریان از قدرت سیاسی حذف و به صف نیروهای اپوزیسیون پیوست. تحولات پس از انقلاب ۲۲ بهمن، در درون این جریان صف بندی های جدیدی بوجود آورد. بخشی از این جریان به درون دستگاه حاکمه چشم دوخته و در صدد است تا با حمایت از بخشی که بدان نزدیک است، خود را بیشتر در درون رژیم جا دهد. بخشی از آنان، می‌کوشند تا رژیم شاه را دوباره به جامعه برگردانند و بخشی دیگر از رژیم سلطنتی که پادشاه باید "سلطنت بکند و نه حکومت" حمایت می‌کنند. اما تمامی بخش های این جریان بیک اصل اتفاق نظر دارند و این اصل همان خصلت اساسی این جریان یعنی خدمت به بیک قدرت بزرگ سرمایه‌داری جهانی است.

۳ - جریان دمکراتیک - اساسی ترین خصلت این جریان، دفاع از تکامل اجتماعی جامعه بر اساس منافع اکثریت مردم است. این جریان اساسا در تقابل با بخش طبقی جامعه شکل گرفته و از زندگی مدرن و تکامل جامعه حمایت می‌کند. مدرن بودن این جریان، ریشه در تکامل درونی جامعه داشته و با مدرنیسم سطحی و ناموزون جریان وابسته متفاوت است. این جریان از تکامل نیروهای مولده جامعه بر اساس دینامیسم درونی تکامل اجتماعی حمایت می‌کند و بدین جهت بیش از هر جریان دیگر از دمکراسی سود برده و از آن حمایت می‌کند. مخالفت این جریان با وابستگی نه از زاویه ارتجاعی و برای برگرداندن جامعه به عقب، بلکه برای رشد جامعه بر اساس منافع توده‌های مردم است. بدین لحاظ این جریان بر اساس منافع مردم ایران وارد گسترده ترین مناسبات بین المللی شده و از این مناسبات در جهت تکامل جامعه و برای استقلال، دمکراسی، رفاه اجتماعی، ترقی، صلح و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌کند. این جریان مخالف هرگونه تبعیض نژادی، مذهبی، ملی، جنسی و قومی است و برای حقوق دمکراتیک توده‌ها و سازمان یابی توده‌ها، بیش از هر جریان دیگر تلاش می‌کند. کارگران، کارمندان، کارکنان بخش های مختلف اقتصاد مدرن، بخش های غیر سنتی خرورده بورژوازی، اکثریت بزرگی از معلمین، دانشجوین دانش آموزان، هنرمندان و ۱۰۰۰۰۰ آن دسته از نیروهایی که با مناسبات سرمایه‌داری شکل می‌گیرند و در جنبه سرمایه منافع اساسی ندارند، نیروهای اجتماعی جریان دمکراتیک را تشکیل می‌دهند. این جریان از آستانه



## بیانیه شورای ملی مقاومت

شورای ملی مقاومت بابرزگداشت خاطره دهها هزار شهید آزادی که طی یک دهه در تحقق اهداف این شورا در نبرد مبارزیم ضد بشری خمینی برای آزادی و استقلال ایران جان باختند، دهسین سالگرد تاسیس خود را که مصادف با سی و نهمین سالگرد قیام ملی ۳۰ تیر و سیاز گرداندن قدرت به دولت ملی دکتر ممدق ازسوی مردم ایران است، گرامی می‌دارد. برپاشی و بیاپاداری ایمن شورا پس از عبور از میان آتش و خون و شکنجه و ده سال روبرویی مستمر با تبهویی از توطئه‌ها و آزمایش‌های شگرف سیاسی حقا سزاوار تنهیت و تبریک به پیشگاه مردم و تاریخ ایران است. آینده گواهی خواهد داد که در یکی از سیاه‌ترین ادوات تاریخ این مبین، نیروهای تشکیل‌دهنده این شورا شرف و عزت ایران و ایرانی را در نبرد بی‌امان با رژیم پلید آخوندی نگاهبانی و پرچمداری نمودند. در همین راه بود که شهیدان و الامقام کالمم باقرزاده و دکتر کاظم رجوی جان خود را فدا کردند. مروری بر حوادث و کشاکش‌های سخت و خونین دهساله به روشنی نشان می‌دهد که ایران زمین اسیر چگونه به دست غیورترین فرزندان مجاهد و مبارز در برابر اهریمنستان حاکم به مقاومت پرداخت و به صحنه یکی از عظیم‌ترین و به یاد ماندنی‌ترین حماسه‌های مقاومت تاریخ بشری تبدیل شد.

به این ترتیب در شرایط ابلغار بی سابقه خمینی و متحدان و همدستان داخلی و بین‌المللی اش و نیز در شرایطی که از انقلابها و جنبش‌های آزادیبخش جهان جز معدودی برجای نماندند، شورای ملی مقاومت ایران در ادامه تکاملی راه ممدق بزرگ و مجاهدان صدر مشروطه به نگاهبانی از ارزش‌های و لای انقلاب شد. سلطنتی مردم ایران، یعنی آزادی و استقلال، همت گماشتت و از شعار اساسی "نه شاه، نه خمینی" سرزونی عدول نکرد. در حالی که افساد این شورا همه به عبرت انگیزترین صورت با از صحنه خارج شدند و ادعای هرگونه مبارزه را کنار گذاشتند بیا به مزدوری خمینی درآیند، ایمن جانمین مردمی که تنها به قدرت مردم و فرزندان برومند ایران متکی است، هرروز و هر ساعت برای مبارزه مسلحانه انقلابی سنگین‌ترین بهار پرداخت و بر شعبار محوری خود یعنی سرنگونی تام و تمام رژیم خمینی پای فشرده در پیینه بین‌المللی نیز جنبش مقاومت ایران با فعالیت‌های پیگیر و مستمر خود در این دهساله به بین میان جنبش‌های جهان ممتاز بود. چنین بود که اسم رژیم خمینی را، به عنوان منفورترین دیکتاتوری معاصر، به ثبت داد، طلسم جنگ طلبی شد میهنی آن را در هم شکست، "زهر" آتش بی و خاتمه جنگ را به گامش ریخت و این رژیم را بی آینده کرد. اکنون بازماندگان خمینی، که در یک سال گذشته از دستاوردهای با آ و رده جنگ که خلیج فارس ارتقاع می‌کنند، مفلوک و زخم خورده و پاره پاره در غرقاب بحران هادست و پامی‌زند. سردمداران رژیم، از جمله رفسنجانی، آشکارا وضعیت رژیم را به کشتی طوفان زده‌های تشبیه می‌کنند که پس از مگرگ خمینی از وجود یک مرجع تقلید "میله حل کسن" در کرسی ولایت فقیه محروم شده است. شعار میان تبهی بازسازی و مانورهای به اصطلاح میانه روانه هم راه به

صرفنظر از ضامعات اقتصادی و تلفات انسانی چشمگیر آن، می‌توان به هم خوردن تمادل قوای پیشمن در منطقه و شکل‌گیری صف بندی جدیدی دانست که هنوز صورت قطعی و نهایی خود را پیدا نکرده است. به هم خوردن تمادل قوای پیشمن، که از شخصاش انزوای کامل رژیم در منطقه و حتی در جهان بود، برای وارثان خمینی البته به منزله فرصت غیرمنتظره‌یی تلقی می‌شد که امکان بهره‌برداری‌های سیاسی و اقتصادی کلانی را در پی داشت. رژیم ضد بشری خمینی، برای دستیابی به حداکثر "برکات" این بحران و برکنار ماندن از مضار آن، خود را "بی طرف" اعلام کرد. انگیزه این اعلام "بی طرفی" تنها مفتخوری و فرصت طلبی ذاتی آخوندها نبود، تعادل قوای درونی و جنگ قدرت در رژیم نیز طوری بود که راه دیگری جز به بهای ایجاد یک بحران حاد داخلی بسرای رژیم باقی نمی‌گذاشت. با این همه، در دوران نمای کشاکشی که طرف‌های برنده و بازنده آن از پیش معلوم بود، موضع "بی طرفی" بیشترین سود را برای جناح غارتگر و بسته گرامه سرکردگی رفسنجانی در برداشت، چرا که از موضع رسمی "بی طرفی" این جناح می‌توانست ضمن خنثی کردن هرگونه ماجراجویی احتمالی جناح رقیب، مزایای ناآ آورده این بحران برای رژیم را در جهت تحکیم قدرت حکومتی خود مورد استفاده قرار دهد. بدین ترتیب بود که طی این بحران، رژیم زهر نوشیده و شکست خورده نه تنها امتیازات زیادی از دولت عراق گرفت، بلکه در صدد ایجاد باگسترش روابطش با سایر کشورهای منطقه و دولت‌های غربی نیز برآمد.

ازسوی دیگر این بحران حاد، جانفروسانترین شرایط را به جنبش مقاومت تحمیل کرد. برای همه از همان ابتدا روشن بود که ارتش آزادیبخش ملی، تنها به دلیل استقرارش در خاک عراق، در سوته مهیب ترین آزمایش تاریخ قرار گرفته است و دوراه بیشتر نیست رو نه از آنجا، با برای وفادار ماندن به شیوه سازو رده (چنگ آزادی بخش) و حفظ دستاوردهای نظامی خود، در محل بمانند و بدین ترتیب متحمل نتایج غیرقابل پیش بینی روبرویی هولناکی شود که خود نه در ایجاد آن نقشی داشته و نه به هیچوجه می‌توانسته است از شرک در آن نفعی داشته باشد. با، برای برکنار ماندن از مخاطرات نهفته در این بحران، پایگاهها، سلاح‌ها، تجهیزات و خلاصه تمامی دستاوردهای نظامی را به جایگذارد و افراد را از محل خارج کند. یعنی در یک کلام، انحلال خود را اعلام و رزمندگان ارتش آزادیبخش را به پناهندگان و آوارگانی پراکنده و فاقد چشم انداز مبارزاتی تبدیل نماید. جنبش مقاومت بی هیچ تزلزل و تردید، راه اول را برگزید و یکبار دیگر تمام هستی خود را در معرض مخاطره نهاد تا نشان دهد که هدف اصلی و اولیه اش را، که سرنگونی رژیم ضد بشری خمینی است، در هیچ حال تابع هیچ تضاد دیگری، ولو به صورت بحران منطقه‌یی درآید، نمی‌کند. از همین رو جنبش مقاومت به محض بروز بحران با سیاست و عملکرد روزمره خود که تا پایان جنگ ادامه داشت، استقلال عمل مطلق خود را به اثبات رساند و در این مورد جای شبیه برای هیچکس باقی نگذاشت. معنای ایمن سیاست و این عملکرد از نظر رژیم پوشیده نماند. رژیم ضد بشری، سرمست از "برکات" ناآ آورده این بحران، جنگ اعصاب شدیدی را علیه مقاومت به راه انداخت و کوشید تا با وارد آوردن فشار از هر طرف، جنبش مقاومت

جائی نبرده و وضعیت اقتصادی نیز به اعتدال براف سردمداران رژیم از زمان جنگ بدتر شده است. آنگاه همچنین به‌کارگیری‌های دولت به بانک مرکزی را "وحشتناک" توصیف می‌کنند. تظاهرات خشمگینانه اخیر مردم تهران حکم ور شکستگی ماند رفسنجانی - خانه‌های رایک بار دیگر سپر کرد و نشان داد که در داخل ایران هیچکس کمترین امیدی به حکومت آخوندی نیست است. پس غمان و فریادها و بیقراری‌های فراوان سردمداران و کارگزاران و ارگان‌های حکومتی علیه مقاومت عادلانه مردم ایران بدون دلیل نیست. چرا که رژیم محتضر، چه در صحنه نظامی در نوار مرزی، چه در بینه سیاسی و دیپلماتیک در ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر، چه در مورد خریدهای تسلیحاتی و پروژه اتمی و بیمان امنیت منطقه‌ای، چه به هنگام سفر کالیندین و پسل و والدهایم به تهران و سفر ناتمام ولایتی به سوئیس، همه جا این مقاومت مردمی و قهرمانانه را در کمیسیون و روبرویی خود می‌یابد. سیاست صدور ارتجاع و توطئه - های تروریستی اش مستمرا توسط همین مقاومت افشا می‌شود. دادگاهی که در سوئیس برای محاکمه خبرنگار سوئیس درخواست نموده بود بر سر خودش خراب می‌شود و شکنجه گران و شاگرد جلدانی که به ما مورست خارج از کشور فرستاده حکم نف سربا لای را بسوای آخوندهای حاکم میداد می‌کنند (۱). در یک کلام تمامی خواب و خیالها و طرح‌ریزی‌های نظامی و سیاسی اش علیه جانمین مردمی در عمل به ضد خود مبدل می‌شود. در همین گبر و دار، اما، مستمر این قدرت و اعتبار سیاسی و نظامی و بین‌المللی مقاومت افزوده می‌شود.

به نحوی که اکنون بسیاریند دولت‌ها، پارلمان‌ها، احزاب و تحلیل‌گرانی که در کشورهای مختلف جهان کسب قدرت ازسوی شورای ملی مقاومت ایران را تنها راه حل برای استقرار دمکراسی و صلح پایدار در ایران می‌شناسند و صراحتا برای مقاومت ایران در تحولات آینده کشور و منطقه نقش تعیین کننده قائلند. و بیچاره دشمن ریون که تا بیست سال گذشته برای صدمین بار، اندر باب از بین رفتن مقاومت روضه‌های خواند!

تاریخ خمینی هست از صلح پایدار خبری نخواهد بود. این حقیقت اساسی را که مقاومت ایران مستمرا خاطر نشان کرده و در عمل نیز به اثبات رسیده است، امروز کشورهای منطقه، مردم و دولت عراق که تلخی غم و توطئه دخالت رژیم خمینی را تجربه کرده‌اند، آشکارا گواهی می‌دهند. آری صلح پایدار تنها با سرنگونی این رژیم و استقرار جانمین دمکراتیک و مردمی محقق می‌شود.

امروز، در حالیکه هر ناظر بیطرفی در صحنه داخلی و بین‌المللی چرخش تمادل به سود مقاومت ایران را به چشم می‌بیند، شورای ملی مقاومت ایران ضروری می‌بیند تا ارزشیابی و دیدگاههای خود را در رابطه با رویدادهای سال پرماجر و پراورشویی که گذشت، با هم میهنان گرامی در میان بگذارد.

سپه‌ترین واقعه جهانی در سال گذشته، بحران حادی بود که در منطقه خلیج فارس پیش آمد و به جنگ نیروهای چند ملیتی با دولت عراق منجر شد. حاصل این جنگ را،



بیانیه

از صفحه ۵

راه جانب گیری آشکار از این بآن طرف - و در نتیجه وابسته کردن سرلشکر جلیلی به نتیجه تصمیم گیری دیگران - یکسان ۱۰۰۰ زن به این جنگ روانی و طبقه رسمی و فوری تمام مراکز تروریستی - جاسوسی رژیم در خارج کشور اعلام شد و اجرای آن را بلندگوهای رژیم و مطبوعات خارجی و فارسی زبان جیره خوار با همدست رژیم به عهده گرفتند و طی ماههای متمادی ابراکندن هیچ نوع شایعه ردیله‌ای ایا نکردند به یاد داریم که چگونه مشکوک ترین ورثه پاره‌ها از قول "منابع موثق" از عزیمت مریم رجوی به کویت، از مهاجرت دستنمده جمعی از زندگان ارتش آزادیبخش به یمن، اردن، سوئد، لبنان، آلمان و ... با از تحویل قریب الوقوع مجاهدین از سوی عراق به رژیم، بدنبال برقراری روابط سیاسی بین دو کشور خبر می‌دادند. سازمان راه آزادی و استقلال ایران، ما بی اعتنا به لجن پراکنی های حقیر و کثیف دشمن، با صلابت و استانتی که تنها از یک جنبش انقلابی اصیل می‌توان انتظار داشت، سختی شرایط زیست در محاصره اقتصادی و اثرات مریکبار بیش از چهل بیانه روز بمباران فشرده و بی وقفه هوایی راه جان خریدند و دم بر نیاروندند، رژیم آن قدر دروغ گفت و شایعه پراکند تا عاقبت خود قربانی این اوهام شد.

بطوری که در پایان جنگ، هنگامی که بخش اعظم نیروهای نظامی عراق از زمین رفته بازگاز اقتصادی قسمتی از جنوب این کشور اشغال شده بود، رژیم ضد بشری که تا آن زمان از تمام "برکات" غنیمت‌ستقیم جنگ بهره‌مند شده بود، این وضعیت را به مثابه دعوتنامه‌ی برای "صنوبر انقلاب" تلقی کرد. این خواب نیمه‌دانه چنان غمان اخبار ازگ افشردن فرصت طلب و طماع رسد که به فکر تحقق رویاهای به گور رفته امام جنایت گارشان افتادند؛ می‌خواستند در هرح و مرج پس از جنگ با سو استفاده از وضع پیرشان و در هم ریخته عراق، هم ولایت مطلقه فقیه را بر این کشور حاکم کنند و هم ارتش آزادیبخش ملی بیات بساطی را که تصویری کردند پس از مهاجرت ها و فرارهای قبضایی ممکن است از آن به جا مانده باشد، از میان بردارند! دیگر به بهره‌مندی از "برکات" جانبی جنگ قانع نبودند، می‌خواستند سبزه مطلق آن باشند. ما این توهم بود که با پاسداران جهل و جنایت رادلیاس مبدل "شیعیان" یا "کرد" های مغرایی با سلاح و تجهیزات روانه خاک عراق کردند تا در آن جا با کمک ایادی محلی و همدستان بومی خود به پندارهای بیمارگونه‌شان علیه مقاومت ایران جا به واقفیت بپوشانند. آن بخش از این نیروها که وظیفه محاصره کردن قرارگاههای ارتش آزادیبخش و اسارت گرفتن زندگان را به عهده داشت، آن قدر موفقیت خود را پس می‌گفتگو می‌پنداشت که برای انتقال اسیران رخیالی به پشت جبهه چندین دستگاه اتوبوس با خود آورده بود! در عمل، اما، مزدوران رژیم حتی فرصت آن را نیافتند که ایوبه اسناد کشته شیکان خود را از میدان صاف با ارتش آزادیبخش جمع آوری کنند.

رشته عملیات مروارید، که طی آن هفت لشکر و تیم مهاجم دشمن به کلی نابود یا زارومار شدند، هرچند فقط یک پنجم توان رزمی ارتش آزادیبخش را واداع عمل کرد، اما به لحاظ نشان دادن کیفیت نظامی، کارایی رزمی و روحیه استوار و انقلابی زندگان ارتش آزادیبخش به واقع عملیاتی بی سابقه و سخت عبرت انگیز بود: عملیات مروارید، در حقیقت، نخستین عملیات دفاعی ارتشی بود که اساسا دارای خطی تعرضی است و تا آن زمان هیچ سابقه و تجربه‌ی در جنگ تداعی نداشت و علاوه بر تهاجم سایه پاسداران و یزدوران رژیم زمانی صورت گرفت که زندگان ارتش آزادیبخش کمترین آمادگی را برای یک رویارویی نظامی داشتند، زیرا پس از بمباران شش هفته‌ای در سخت ترین شرایط جنگی، تازه از بناگاههای پراکنده خود خارج شده و هنوز اسه فرصت گرفته بودند به حال تجمع در آیند و نه سلاحها و تجهیزاتشان را از بناگاهها بیرون بیاورند و آماده نبرد کنند. بدین ترتیب با نفارت و سلاحهای حاضر در محل بود که ارتش آزادیبخش ملی به دفاع از خود برخاست و طی سلسله عملیاتی که بیش از سه هفته از ۱۹ اسفند تا نیمه فروردین طول کشید، دشمن را چنان درهم کوبید که هنوز جرات نگردد است در آن منطقه دوباره سر بلند کند.

شهبان ارتش آزادیبخش مر این عملیات، که بعضا به دست دشمن به جمع ترین و فم مثله و تکه پاره شده بودند، به عنوان مظاهر شتاب انگیز عزم خلیل ناپییر یک ملت پر ای رهایی از بوع ارتجاع و اختیاری و دستبازی به صلح و آزادی و در عین حال به عنوان گویاترین شاهدان درنده خویی و سببیت دشمن اصلی این ملت و همدستانش در سینه تاریخ حفظ خواهد شد (۱).

ناگفته بیداست نقش مسئول شورای ملی مقاومت در این دوره بحرانی، چه در هدایت سیاسی و چه در

فرماندهی عملیات نظامی، نقشی تعیین کننده نبود، آنقدر که بدون آن نه استاندگی بر انتخاب اصولی و مستقل مقاومت امکان پذیر بود و نه در هم شکستن توطئه‌های مزدوران رنگارنگ دشمن ضد بشری.

رژیم ضد بشری که خواب توسعه "االمفرا"ی جهل و جنایت و نابودی کامل مقاومت مردمی را می‌دید، پس از شکست فزاینده بارش از ارتش آزادیبخش ملی و تا کما مانع توطئه‌های گسترده‌اش برای دستیابی به حکومت عراق، چنان از کوره به در رفت که هنوز از شدت خشم و درد زوزه می‌کشد و هذیان می‌گوید.

روزهای دردمندانه رژیم این بار نیز در بوق‌های تبلیغاتی‌ش به صورت مضحک ترین و در عین حال وقیحانه ترین تبعیت پراکنی ها علیه جنبش مقاومت انکسالی یافت. با پیشروی تمام گفتند و نوشتند که مجاهدین در شمال عراق مردم عادی شهرها را به گلوله بسته با سیر بریده‌اند، که زنان و کودکان را در وسط خیابان خوابانده و تانک‌هاشان را زوری آنها عبور داده‌اند، که ارتش آزادیبخش "بشمار اول کار جمهوری عراق" شش و صد و "سرکوب قیام مردم عراق" نقشی اساسی بازی کرده است و ... جاشی های عراقی شان، که سابقه تکمیلی در مجاهد کشی دارند، از "گردکشی" مجاهدین داستانها به هم بافتند، مزدوران "جهدی اعلاي انقلاب اسلامی" شان در باره خشونت "منافقین" نسبت به مردم مظلوم عراق روضه‌ها خواندند و باز همان روزی نامه‌های فارسی زبان خارج کشور، که گویی جز خشتخوار سبيلات و نهمت های فروغ رژیم علیه مقاومت و طبقه و رسالت دیگری ندارند، همه آن ترهات کثیف آخوندهای حاکم را به خود آورد خوانندگانشان دادند. اما نه رژیم و نه پادشاه و نه دست نشاندگانش هیچ توضیح ندادند. ارتشی که "طبق" اخبار موق "خودشان، فرماندهانش در کویت بودند و اکثر زندگانش به کشورهای دیگر مهاجرت کرده بودند و مسدود افراد باقی مانده‌ای فرار یو در چند اتوبوسی جا بگیرند، چه وقت، چگونه و بر اثر چه معجزه‌ی ناگهان تبدیل به ابر قدرتی شد که توانست این همه نقش در "سرکوب قیام سراسری مردم" یک کشور دیگر بازی کند!

طرفه آن که در این میان، پارسی از سرانه‌های هنگانی اروپایی، از جمله بعضی روزنامه‌های مستطوره‌ی غرضی با طعنه (و تیر خوهی، نقی رساندن "امداد غیبی" به باند تکلیف گویوتروریست رفسنجانی را به جد به عهده گرفتند و همه همین کوشی ها و لجن پراکنی های رژیم علیه مقاومت و امرها را اظهار نظرهای فرسوده و گاه تبرع آور، انعکاس دادند. تقویت زوری نمود که از قول فلان "پیشمرگه" بی نام و نشان با تلان مرکز که معلوم الحال و نشاندار با تلان اخوند عراقی دست نیابنده رژیم انسانی بی سرتوشی از شقاوت و قساوت مجاهدین در شمال مردم عراق، بویژه ساکنان منطقه کردستان، به هم نیافتند یا از ارجیح بوق های تبلیغاتی رژیم را، به عنوان خیر، در صحنانشان نقل نکنند. هیچ وقت هم نشد که از تکذیب نامه‌های مکرر مقاومت در سوره هرگونه دخالت در امور داخلی عراق، با از انبوه اسناد تجاوز مسلحانه رژیم آخوندها به خاک عراق و شکست مقتضاتنه عمل تجاوز - گران ارتش آزادیبخش ملی چیزی به آگاه می‌کنند که گویی خوانندگان خود برسانند. طوری عمل می‌کردند که گویی نقش آنها "خط کشی" در جنبه تبلیغاتی استانت و می‌خواهند افکار عمومی را برای پذیرش رفسنجانی به عنوان سوکلی اروپا در خاور میانه، آماده کنند، و البته تجربه همه این سال‌های اخیر به همه آموخته است که کام اول برای کنار آمدن با رژیم، لگدپراکنی به مقاومت عادلانه مردم ایران است. این کام اول خیلی زود برداشته شد.

به دنبال آن بود که "امداد غیبی" پس از یک دوره بمباران مستمر و شدید تبلیغاتی برای فحش سازی و روضه خوانی نمایشی برای خلق کرد، سرانجام معجزه‌اش را ظاهر کرد و رژیم ضد بشری خمینی را، که سابقه تنگنیش در قتل عام کردهای ایرانی سرکشی پوشیده نیست، به عنوان بزرگترین ملجا و حامی فراریان کرد و همه پناهجویان عراقی، برکوسی افتخار نشاند. آنگاه کاروانی از هواپیمای حامل کمک‌های انسانی به سوی ایران به راه افتاد و مقام‌های رسمی و غیر رسمی حقوق بشری به تهران شتافتند تا از اقدامات "انساندوستانه" رژیم ضد انسانی ستایش کنند! این ستایش چندش آور، که در حقیقت انگیزشی جز فریبست برای دستبازی به بازار "بازسازی" در کشورهای منطقه نداشت، با سرازیر شدن هیات های اقتصادی و پژوهش به تهران، برقراری ارتباط تلفنی بین رفسنجانی و زمامداران اروپایی، رفت و آمدهای مکرر دیپلماتیک و فرار و مدارای سیاسی برای ملاقات "سران" تکمیل شد. پارسی از سیاست پیشگان اروپایی، برای آنکه در سیم بردن از "بازار صرف" ۶۰ میلیونی "ازرقیبسان" عقب نیمانند، در مجیز گویی از رژیم با هم سابقه گذاشتند. بعضی ها، که چند ماه پیشتر کشف کرده بودند که نخستین محاصره اقتصادی موفق غرب علیه یک کشور باغی شرقی در سال های ۵۰ انجام گرفت و سه

سقوط دولت دکتر صدق منجر شد، همین که باستان به تهران رسید به کثیف اعجاب انگیزتری نایل شدند، این که میدان تن امن در تهران نیست! و آن قدر در چاپلوسی از رژیم افراط کردند که صدای اعتراضات همقطاران خودشان را هم درآوردند.

این خوش رقصی های مشغول کننده برای دلربایی از رژیم، به رفسنجانی فرصت داد تا او نیز برای جلب نظر کشورهای عرب منطقه به رقص درآید. بدین ترتیب بود که دیپلمات - تروریست هایی که از این پیش تر برای ایجاد بلوا، معامله فاجاعی با ترور مخالفان رژیم به ماموریت فرستاده می‌شدند، این بار با پیام های تملق آمیز رفسنجانی و درخواست از سرگیری باگسترش رابطه به کشورهای عرب منطقه اعزام شدند. امدو شده‌های فراوان یک های سیاسی، اظهار محبت های دیپلماتیک آشتی جویی های مصلحتی، ابراز آزادت های ساختگی به آنها که ناچندی پیش "حکام حجاز" خوانده می‌شدند و تن دادن به همه شرایط آنها برای اجرای مراسم "حج ابراهیمی" و ... همه صحنه‌های نمایش مزدورانه‌ی سود که رژیم ضد بشری، برای جاکردن خود در جمع کشورهای که هنوز همه شان زهر خمینی گزندگی را در تن داشتند، به راه انداخت.

همزمان با این بندوبست ها و مانورها برای تکدی آبرو، رژیم سرو صدای زیادی نیز، تحت عنوان تشویق ایرانیان مقیم خارج کشور به بازگشت، به پاکره - دال - های اعزامی رفسنجانی به خارج، در مجالس خصوصی - نیمه خصوصی، با استناد به همین مانورهای توخالی رژیم در محله بین المللی، می‌خواستند به صاحبان سرمایه و صنعت و کارشامان و متخصصانی که پس از تسلط ارباش خمینی بر ایران کشور را ترک کرده بودند بپایماند که دوره خمینی و خط امام دیگر به سر آمده و رفسنجانی در فکر "بازسازی کشور" و عادی کردن روال زندگی است. از این رودر تلاش است تا به سیاست های دوره پیش از انقلاب برگردد و در اقتصاد کشور حقای برجستهای به مدبران و صاحبان صنعت و سرمایه در بخش خصوصی بدهد. بدین ترتیب آنها می‌توانند بی هیچ نگرانی به کشور برگردند، دارایی های محاصره شده خود را پس بگیرند و سرمایه با دانش مدیریت خود را برای "بازسازی" کشور به کار اندازند!

هرچند که معاون رفسنجانی سرعنا همین دعوت آیکی رایس گرفت و آن را مشروط به محاکمه و مجازات کسانی که به خروج غیرقانونی از کشور مبادرت کرده‌اند، نمود. این "دعوت"، یا همه شایده ویشتم هم اندازی که در نحوه طرح و تبلیغ آن به کار رفته، به خودی خود به معنای اعتراف به ورشکستگی کامل رژیم خمینی در همه زمینه‌هاست. تمامی نمایش ها و مانورهای بین المللی رژیم نیز حاوی همین اعتراف به ورشکستگی است. اما رفسنجانی می‌خواهد با اعتراف تلویحی به این حقیقت، که او دروغ بزرگ را به مردم ایران و جهان قالب کند، اول اینکه رژیم خمینی، به استعداد مذهبی و منور آشوب و تروریسم بردات آن است، توانائی تحول از درون را دارد و دیگران که تنها خود او و پانده‌های و جنایتکارش قادرند چنین تحولی را به مرحله عمل در آورند، بدخترش این است که واقعات روزمره زندگی هر لحظه این دروغ‌ها را بر ملا می‌کنند:

- دولت "مقتدر" رفسنجانی، دو سال پس از روی کار آمدن، نه تنها خود هیچ مشکلی از جامعه را سرسازمان نداد، بلکه با دامن زدن به فساد و تشدید اخلاق، تضاد بین مردم و دزدان دسته حاکم را به مرحله انفجار رسانده است.
- دولت "معتدل" رفسنجانی سیاست سرکوب سیاسی و اجتماعی را، با شدتی بیشتر از زمان حیات خمینی ادامه می‌دهد، به طوری که نوشتن یک نامه انتقادی از طرف وفاداران به رژیم به "مقام ریاست جمهوری" را جریمی مستوجب حبس و شکنجه می‌داند.
- دولت "مصلحت گرا"ی رفسنجانی فقط در یک روز، به بهانه سخنر "بدحجابی"، هشتصد زن را به بند می‌کشد و تازبانه می‌زند.
- دولت "میانبرو" رفسنجانی ترور مخالفان سیاسی رژیم در خارج کشور را به طور سیستماتیک و در مقیاسی گسترده‌تر از زمان حیات خمینی دنبال می‌کند.
- دولت "پراگماتیک" رفسنجانی اعدام را - به حدتهایی متفرقه - بیش با افتاده و روزمره در جامعه ایران مبدل کرده است.
- دولت "خردگرای رفسنجانی" مدور تروریسم و دامن زدن به آشوب در کشورهای دیگر - مثلا الجزایر - را وظیفه اسلامی "خود می‌داند.
- بدین ترتیب است که رفسنجانی، با اجرای دقیق سیاست هایی که از ذات رژیم خمینی برمی‌خیزد، توانسته است میانی وحدت بین جناح های رقیب را حفظ کند. به عکس هر یک از مانورهای بی نتیجه او در محله بین المللی، به جای این که باعث تکمیل موقعیتش در داخل شده باشد تنها جنگ داخلی بین پسمانده‌های





گفتگوی اشپیکل با رئیس - یاسر عرفات در ساره فلسطینی ها و بیابانهای بحران خلیج فارس

ناریخ - اشپیکل ، ۱۱ مارس ۱۹۹۱

اشپیکل: آقای دبیرکل، دوبارنده بزرگ در خلیج وجود دارد، صدام حسین دوشنبه با سر عرفات - عرفات: نه، این درست نیست، این جنگ به روشی نشان داد که اکنون ناچه اندازه حل مساله فلسطین اهمیت یافته است.

اشپیکل: با این وجود بسیار معتقدند که مساله فلسطین اکنون پیچیده تر شده است، خوشبینی شما از کجا سرچشمه میگیرد؟

عرفات: رئیس جمهور آمریکا جورج بوش و روسای جمهور کشورهای عضو ائتلاف ضد عراق البته ادعا کرده اند که ارتباط مستقیمی میان بحران خلیج و مشکل خلق فلسطین ما وجود ندارد، با این وجود بوش و مستقیماً همزمان اطمینان داده اند که مشکل فلسطینی ها را بالاخره در مد نظر خواهند گرفت.

اشپیکل: بر طبق فرمول "زمین در مقابل صلح" بوش به هر حال اسرائیل را به قربانی دادن فراخوانده و در مقابل اعتراضات شدیدی را برای خود خریده است.

عرفات: سخنرانی پرزیدنت بوش منافع مثبتی برای مشکل فلسطینی ها در برداشت که بعنوان نقاط خروج، برای یک راه حل عادلانه و فراگیر بحران اعصاب - اسرائیل به حساب می آید، اکنون باید یک مکانیزم بین المللی برای به اجرا درآوردن قطعنامه های سازمان ملل بوجود بیاید، بدون تاخیر، که اسرائیل را برای شرکت در روند صلح تحت فشار بگذارد، این تاکتیک تاخیر اندازی را اسرائیل به یاری محافل پرتغذی در غرب بکار میگیرد.

اشپیکل: اما چه کسی اکنون می خواهد با شما دور میز مذاکره بنشیند؟

عرفات: فرمود بحران خلیج و مساله فلسطین یک مشروعیت دوگانه بین المللی وجود دارد، آیا برای این مساله در معیار می تواند وجود داشته باشد؟ مایک کنفرانس بین المللی می خواهیم، همانگونه که مجمع عمومی درباره مذاکره و حل مساله فلسطین پیشنهاد کرده است.

اشپیکل: آیا سرمایه گذاری بدون محدودیت روی صدام حسین یک خطای فاحش نبود؟

عرفات: یک جنبش رهائیبخش نمی تواند حضور نیروی نظامی خارجی در زمین های عربی را بپذیرد، قبول کنید، این صدام حسین بود که بدون محدودیت از من حمایت کرد، او اولین رئیس دولتی بود که میان لغت

(آب حیات غریبی ها، ژاپنی ها و بقیه دنیا) و فلسطینی - ها رابطه ایجاد کرد.

اشپیکل: اما زمانی که صدام به کویت حمله کرد مساله اوقلسطینی ها نبود؟

عرفات: درست است، اما وابستگان مادر سرزمین - های اشغالی پس از حمله عراق به کویت از صدام حسین خواستند بحران نفت در خلیج را با حل مساله فلسطین مرتبط سازد، ا سری که ۲۲ سال به انتظارش نشسته شده است، شما می دانید که کنفرانس اعصاب در قاهره در موقعیتی نبود که یک مجمع سطح بالا برای تشنج زدایی بحران خلیج ایجاد کند، پس از آن دنیای عرب متشعب شد.

اشپیکل: بنابراین دخالت شما موفقیت آمیز نبود، عرفات: اگر مسائل به عرب ها واگذار می شد، ما آنرا بین خودمان حل می کردیم، عراق از کویت عقب می کشید و در مقابل نیروهای خارجی سرزمین های عربی را ترک می کردند، این دقیقاً طرح ابتکاری ما بود که من در اجلاس قاهره در ۱۰ اوت ۹۰ ارائه کردم و نیز در ۳۰ اوت یکبار دیگر رسماً بر آن تاکید کرده و به اعضای دانشی شورای امنیت، بازار مشترک اروپا، کشورهای غیر متعهد و اسلامی عرضه نمودیم.

اشپیکل: معنی با این طرح زیاد پیش نرفتید، عرفات: برادران مادر مصر و عربستان سعودی شروطی تعیین کردند، این امر ما را ناچار ساخت دوسار طرح مذکور را تغییر دهم.

اشپیکل: این امر در رد طرح شما توسط ریاض و قاهره نتیجه می داد.

عرفات: آیا این شعار را شگفت زده نمی کند که من یک میانجی سنتی میان عراق و کویت هستم؟ در زمان ریاست جمهوری حسن البکر هنگامی که بنی عراق و کویت درگیری های مرزی بوجود آمد، من موفق شدم آتش بس را برقرار کنم، من بودم که وزرای خارجه دو کشور را به سلاقت یکدیگر آوردم، همچنین در جنگ ایران و عراق من نقش میانجی را ایفا کردم.

اشپیکل: این بار موفق نشدید.

عرفات: اما من سعی ام را کردم، زمانی که بحث راجع به آزادی گروگان ها بود رابطه خوبی من با صدام برای بعضی اروپایی ها مفید واقع شد، من نمی خواهم در اینجا نامی ذکر کنم، من سه بار با ریسا کف (نماینده ویژه امور خاورمیانه شوروی) به بغداد سفر کردم بنابراین خواهش مستقیم دولت اتحاد شوروی برای نجات صلح.

اشپیکل: اما تلاشهای شما بعنوان مثال با واکنش دوستانه کویتی ها روبرو نشد.

عرفات: طرح ما بر این مبنا بود که نیروهای عراقی بطور مرحله ای از کویت عقب بکشند، ما هرگز ادعا نکرده ایم که کویت بخشی از خاک عراق است، بنابراین وجود پیشنهادات ما نادیده گرفته شده و درباره شان سکوت گردیده است.

اشپیکل: چرا شما خودتان پس از شروع جنگ زمینی رجزخوانی صدام حسین: "نبرد غلبه دیکتاتوری آمریکا" را تشویق کردید و سوگند خوردید فلسطینی ها در یک سنگر در کنار عراقی ها قرار دارند؟

عرفات: من از هر کشور عربی که از خود در مقابل نیروهای خارجی دفاع کند، حمایت می کنم، من در سال ۱۹۵۶ بعنوان افسر در ارتش مصر علیه تهاجم انگلو - فرانسه - اسرائیلی که مصر را در جریان بحران سوشل

مورد حمله قرار داده بودند جنگیدم، من هنوز هم به این امر مغرورم، من همیشه زمانی که یک کشور عربی مورد حمله قرار بگیرد، همینگونه رفتار خواهم کرد و گرنه با سر عرفات نیستم، من اینگونه ام.

اشپیکل: چیزی که نامی فهمیم این است که چگونه فردی مانند شما با تجربیات سیاسی فراوان سر نوشتش را با یک بازنده سیاسی مثل صدام حسین پیوند می زند؟ عرفات: من با تمام رهبران عرب دارای روابط خوب هستم، من پس از شاه حسین اردنی و شاه حسن مراکش می ترین آنها هستم.

اشپیکل: اما اکنون برخی از رهبران کشورهای عربی مایل نیستند دیگر با شما صحبت کنند.

عرفات: این را چه کسی به شما گفته؟

اشپیکل: این برداشت را روزنامه های سوریه، مصر، عربستان سعودی و دیگران منعکس می کنند.

عرفات: بله، زیرا من نمی خواهم به تهاجم علیه عراق بپیوندم، اگر این کار را می کردم ده کشور عربی دیگر از من خشمناک می شدند، سر آخر من خودم را به موقع ملی واگذار کردم.

اشپیکل: اما پیروز کسانی هستند که شما را پریشان کردند.

عرفات: آه، می دانید، در سال ۱۹۵۶ انگلیسی ها بر جمال عبدالناصر از نظر نظامی غالب شدند، اما از نظر سیاسی هرگز، آنشفاشی که از آن برخاست، عظیم بود، این امر اکنون نیز در این بخش از دنیا به شعف نخواهد گراشد.

اشپیکل: شما و صدام حسین به چیزی دست یافتید؟ آمریکا عملاً قدرت برتر در خاورمیانه است و جاهبای نفت را کنترل می کند.

عرفات: از آنجائی که امریکائی ها فقط دنبال پول هستند، دو ساله بیشتر در سرنه اند، رقابت با اروپای متحد در سال ۱۹۹۲ و برخورد با سوپر قدرت اقتصادی ژاپن و آلمان.

اشپیکل: بنابراین صدام حسین بهترین خدمت را به امریکائی ها کرد و یک توجه برای تعرض به آنها داد. عرفات: درست است، صدام حسین به تله امریکا - شی ها افتاد، با این وجود اگر بر قدرت دیگر، اتحاد شوروی در هم شکسته نمی شد، امریکا نمی توانست این همه نیرو متمرکز کند، قبلاً امریکائی ها حتی نمی توانستند به کوبا آسیبی برسانند.

اشپیکل: چرا فلسطینی ها همیشه دوست عوضی انتخاب می کنند؟

عرفات: خیلی ساده است، زیرا ما از ۴۳ سال پیش فقط وعده و وعید شنیده ایم و هنوز هم آوارگانی هستیم بدون سرزمین پدری.

اشپیکل: اعلام همبستگی شما با صدام حسین کسبه نابودی اسرائیل را می خواند، باید همچنین اطمینان به سخنان خودتان در سال ۱۹۸۸ که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته بودید از میان برده باشد.

عرفات: صدام فقط گفت: اگر آنها به ما حمله کنند ما پاسخ خواهیم داد و همچنین با واکنش سلاح های غیر متعارف روبرو خواهند شد، شرکت های آلمانی شما می دانستند که او این ها را در اختیار دارد، اما وی بنا وجود شرایط سخت آنها را نیکار نگرفت.

اشپیکل: زیرا نمی خواست یا اینکه دیگر

در صفحه ۸

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - همکاری خلق های ایران



بمی توانست؟

از صفحه ۷

عرفات: حداقل یکی از ارتقاهاش را می توانست با کلاهک غیر متعارف مچبر کند. صدام گفت: اگر اسرائیل در جنگ شرکت کند ما را نابود خواهیم کرد اما اگر از سرزمین های اشغالی عقب بکشد، عراق نیز از کویت بیرون می رود. این می توانست آغاز حل تمامی مشکلات منطقه باشد. آمریکا و اروپا اکنون تلاش می کنند توده های عرب را به ضعف بکشانند. اما قبل از اینکه مشکل فلسطینی حاصل بشود، آزامی در کنار نخواهد بود.

اشپگل: ماعلا قیام توده های مسلمان را مشاهده نمی کنیم. در عوض بیشتر انفرادی و لاسردی دیده می شود. یقینا در سنگلادش و مراکش نظاهرات وجود داشت اما در مصر نه.

عرفات: بله، بله، توده ها به زمان نیاز دارند. این یک جنبش آرام مانند قبل است. اما هنگامی که طغیان کند از کناره ها پیش می گیرد. در آلمان هم زمان درازی طول کشید تا دیوار سقوط کرد. منتظر باشید.

اشپگل: شباهت جرح بوش " نرون زمان " لقب دادید فکر می کنید رئیس جمهور امریکانیکار دیگر باشاوارده سعادت سیاسی شود؟

عرفات: این مسأله ای است. غیر از دشمن با چه کسی دیگری می توان وارد مذاکره شد؟ پیش از بحران خلیج او رابطه اش را با ماقطر کرده بود، اما بعد با اسرائیلی ها عاملین نسل کش خلق فلسطین.

اشپگل: گویا امریکائی ها اکنون برای حل مسأله فلسطینی ها از روی " ناف " پل می زنند.

عرفات: آیا تجدید سلطه گری و سرکوب خلق ها زیربنای نظم جدید است؟ برای من این همزمنیست و بردگی کشی ست.

اشپگل: اسمت را بگذاریم رثال پولیتیک. عرفات: ما فلسطینی ها اشغالگران بسیاری را از سر گذرانده ایم. با رومی ها شروع شد. رهبر بردگان نبرسیک فلسطینی بود، ایضا می دانستید؟ دقیقا مثل بطر مقدس! اشپگل: هر دو کشته شدند.

عرفات: می خواهید بگوئید بطر مقدس یک بازنده بود؟ اینجا می توان شخصیت مادی گرای غربی ها را دوباره دید، برخلاف مال یاکه از زمین مذاهب عمومی ریشه می گیرد.

اشپگل: دوباره به مسأله فلسطینی ها بپردازیم. هنگامی که مهم ترین دولت های عربی دقیقا شمارا به عنوان سخنگوی " ناف " قبول ندارند، چگونه می خواهید پیش بروید؟

عرفات: این اولین بار نیست. اما بر طرف خواهد شد. من عرب ها را می شناسم. همیشه تلاش شده میا را منسحب کنند اما ما " پتن " یا " کوپر لیک " در صفوفمان نداریم. اینکه چه کسی خلق فلسطین را نمایندگی میکند را خود خلق فلسطین تعیین می کند.

اشپگل: آیا الفراطی های بنیادگرای " حماس " رقابت فزاینده ای باشما ندارند؟

عرفات: چه کسی گفته ما مخالف " حماس " هستیم؟ " حماس " بخشی از ماست. " ناف " یک جنبش پلورالستی دموکراتیک است. دموکراتیک ترین در جهان - جوب عرب ها - ماکونیست، سوسیالیست، لیبرال داریم. چرا نباید همچنین وابستگیان جهاد داشته باشیم؟

اشپگل: موج بنیادگرای که اکنون خاور میانه را در

برگرفته از روایات لاشیک شما چیزی برای خواهد گذاشت؟

عرفات: این ابتدا مرامشوش نمی کند. بهترین است که غربی ها نگران باشند. اما اکنون با ایران ساختن بغداد چه چیزی اتفاق افتاده. همزمنی بیشتر. سرکوب و بی عدالتی. اینها همه اثرات بدی در میان خلق های عرب برجای گذاشته و بی تردید موجی از افراط گرایی را بدینال خواهد داشت.

اشپگل: دقیقا شما آیا بعنوان یکی از اولین قربانی ها نخواهید بود؟

عرفات: من نه بوسیده تا یک بلنکه توسط تمایسل مردم به این پست رسیدم. آیا شما چیزی را می پذیرید که واشنگتن به صدراعظمان دیکته کرده باشد؟

اشپگل: روزنامه های مهم عربی نیز عقیده دارند عرفات کارتی ست که باید سوزانده شود.

عرفات: اگر این نویسندگان این عقیده را دارند، خوب، بفرمائید. خون در رگه این نبرد هنوز سرد نشده است. اما تغییرات تمام منطقه را در بر می گیرد.

اشپگل: صرف نظر از بدافعالی های سیاسی که اکنون باز هم فلسطینی ها را به عقب رجعت می دهد...

عرفات: ... می خواهم چیزی به شما بگویم. نباید به احساس های ملی و مذهبی توهین کرد. زمین شناسان غربی زلزله ای که از آشفتن عربی بر می خیزد را در نظر نمی گیرند. مشکلات من کاملا کوچکتر از آن هستند که تمام منطقه را به تکان وادارند. اما من سردی هستم که چشم انداز تاریخی را می شناسد و دلایل من تاریخی - ست. ما فرهنگ بیرون دریای میانه را بوجود آورده ایم. شما اروپائیان با آنچه باید این را بفهمید.

اشپگل: باتمام احترامی که نسبت به خود آگاهی تاریخی شما، خلق شما اکنون به مقابله با مشکلات اجتماعی بزرگی می رود، به مقابله با درست دادن آنها هزار محل اشتغال در کشورهای خلیج و در سرزمین های اشغال شده توسط اسرائیل.

عرفات: مرفه ترین کلتی فلسطینی در خارج، در کویت بود. تنها در آنجا ما ۱۱ میلیارد دلار از دست دادیم. اما آیا این یک رسوایی برای دولت آلمان نیست که اکنون به تمام خسارت دیده های جنگ خلیج پول می دهد اما خلق فلسطین را از قلم می اندازد؟ این خلق فلسطین بخشی از دردهایش را از آلمانی ها دارد.

اشپگل: اما از طریق استنتوهای سازمان ملل پول های آلمان نیز در اختیار فلسطینی ها قرار می گیرد. عرفات: واقعا؟ اینها صدقه هستند. هرگز شور اسکاندیناوی از سویر قدرت اقتصادی آلمان - فلسطینی ها بیشتر می دهد، نه، این یک رسوایی برای آلمان هاست. آیا ما اکنون به خلق آلمان آسیبی رسانده ایم؟

اشپگل: اکنون ۱۷۰ هزار فلسطینی در کویت با تهدید انتقام گیری روبرو هستند و احتمالا باید کشتار دسته جمعی مثل آن زمان در بیروت.

عرفات: فکر نمی کنم. ما فلسطینی ها در کویت بدون کفیدن سلحه و خدمت در ارتش عراق وارد کردیم. این تصمیم ما بود. اگر دست به سلاح می بردیم برای نیروی دریایی امریکا همان اتفاقی می افتاد که برای اسرائیلی ها در بیروت افتاد. آنها را ما سه ماه تمام متوقف کردیم.

اشپگل: اکنون اولین حملات به فلسطینی هاشی

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

مجاهد خلق با شعار مرگ بر خمینی ۷ مهر ۱۳۶۰، اعلام برتانه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی توسط آقای مسعود رجوی ۷ مهر ۱۳۶۰ - به هلاکت رسیدن آخوند سید عبدالکریم هاشمی نژاد، از سران جنایتکار رژیم خمینی از طریق عملیات انتحاری مجاهد خلق هادی علویان ۲۳ مهر ۱۳۶۱ - به هلاکت رسیدن آخوند اشرفی اصفهانی امام جمعه جنایت کار کرمانشاه توسط عملیات انتحاری مجاهدین خلق ۲۷ مهر ۱۳۶۲ - عملیات ماجراجویانه رژیم خمینی موسوم به والفجر ۴ در جنبه شمالی آناز و با شکست مفتحانه رژیم خمینی پایان یافت.

خارجی: ۱۹ اکتبر ۱۸۱۲ - عقب نشینی همراه با شکست سپاه ناپلئون از روسیه آغاز شد. در جریان این عقب نشینی که از ستو به سمت پاریس صورت گرفت بیش از ۲۳۰ هزار از ۲۵۰ هزار نفر نیروهای سپاه ناپلئون به اشکال مختلف کشته شدند.

۱۴ اکتبر ۱۸۱۶ - تولد اوژن یواتیه کارگر فرانسوی و سراننده سرود انترناسیونال ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ - تشکیل اولین بین الملل کمونیستی به ابتکار کارل مارکس ۳ اکتبر ۱۹۴۵ - اعلام موجودیت " فدراسیون سندیکیسی جهان " ۱ اکتبر ۱۹۴۹ - پیروزی انقلاب دموکراتیک خلق چین و اعلام جمهوری دموکراتیک خلق چین

۴ اکتبر ۱۹۵۷ - برتات نخستین ماهواره جهان ( اسپوتنیک ) توسط اتحاد شوروی ۱ اکتبر ۱۹۶۵ - بنیان گذاری حزب کمونیست کوبا ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۵ - کودتای ارتجاعی خونین ژنرال سهارتو علیه دولت ملی سوکارنو و قتل عام کمونیست های اندونزی

۹ اکتبر ۱۹۶۸ - شهادت انقلابی کبیر، کمونیست برجسته امریکای لاتین، رفیق ارستوچه گوارا ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۰ - درگذشت جمال عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر ۵ اکتبر ۱۹۷۲ - شهادت رفیق میگل اریکز، عضو رهبری جنبش میر در شیلی

۲۴ سپتامبر ۱۹۷۳ - درگذشت یاپلوتودا شاعر مبارز و آزاده خلق شیلی ۲۴ سپتامبر ۱۹۷۳ - استقلال گینه بیسائو ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ - تاسیس جنبه فارابوندو مارتینی پراسالوادور ۱۹ اکتبر ۱۹۸۶ - ساموراماشل رئیس جمهور موزامبیک و رهبر جنبش استقلال طلبانه مردم موزامبیک در یک سانحه هوایی مشکوک به قتل رسید.

که با عراقی های اشغالگر همکاری کرده اند، اتفاق افتاده است.

عرفات: متأسفانه، مسئولیت این امر را بوش و تمام دولت های متفق بعهده دارند. ما فراموش نمی کنیم.

اشپگل: امروز چه نصیحتی به دوستان صدام حسین می کنید؟

عرفات: من به اونصیحت می کنم به خلقش بپردازد از استقلال و اتحاد عراق محافظت کند. خدا به این سرزمینی که ۵ برابر پیش از بمب هاشی که در جریان جنگ دوم بر آلمان ریخته شد، بمباران کرده، در بازسازی کمک کند.

اشپگل: برای آینده خودتان نگران نیستید؟

عرفات: من وجدان ملت عرب هستم، خواست مقدس آنها را نمایندگی می کنم. فرعیات مرا از اهداف استرا - تژیک منحرف نخواهند ساخت. مسیح نیز از " ویداولروسا " گذشت و بعدها پیامش به تمام دنیا پخش شد.

اشپگل: آیا استاد بقای سیاسی با سر عرفات بر این بحران نیز غلبه خواهد کرد؟

عرفات: این بحران است؟ من از بسیاری سنگین تر از این ها عبور کرده ام.

اشپگل: آقای دبیرکل، ما از شما بخاطر این گفتگو

تشکر می کنیم.



## مذاکرات ...

از منقحه

این است که دیدار من با آقای رئیس جمهور دوستانه، صریح و بسیار مثبت بود و خیر کامل از آن آرزو دارم. جزئیات دیگر پیش استاد مسعود است. من اکتسون می‌بینم که راه برای توافق باز است و این بستگی به سیر گفتگو به میزانی زیاد و به پاسخ های مثبت طرف دوستی دارد. البته این را باید گفت که ما آقای رئیس جمهور را جزء طرف دوستی بشمار نمی‌آوریم. زیرا او داور عادل است که هر وقت در برداشت ها با یکدیگر اختلاف پیدا کردیم، به او پناه می‌بریم و صریحا بگویم که ما راه حل را از راپیش اوستی می‌بینیم. ما به ضرورت ایجاد یک راه حل سیاسی و مسالمت آمیز و دموکراتیک برای مساله کردستان اعتقاد داریم. با تاکید بر برهیز از جنگی دیگر بین برادران و برای همیشه، یعنی دیگر جنگی بین برادران در کنار نخواهد بود. گفتگوهای اولیه توافق روی اصول کلی بود. ولی موقعی که وارد جزئیات می‌شویم، برخی اختلافات در برداشت ها و استنباط ها بروز می‌کند. ولی این دیدار و مشرف شدنم به ملاقات با آقای رئیس جمهور به من این احساس را داد که توافق در راه است. بدون کوچکترین شکی.

هنگامی که مذاکرات بین هیات جبهه کردستانی و دولت عراق جریان داشت، در تاریخ ۲۶ تیر امسال در کربلا بیای خونینی در شهر سلیمانیه و اربیل صورت گرفت. در این درگیری ها که بدون شك رژیم خمینی نقش تحریک کننده اصلی را داشته تعدادی از دوطرف کشته و زخمی شدند. رژیم خمینی قلیتا نیز در مخالفت با پیشرفت مذاکرات به ایجاد گروههای اسلامی در کردستان عراق و متشکل کردن آنان مبادرت ورزیده بود پس از درگیری های اخیر مسعود بارزانی در محاصره باروزنا - جمهوری الجبوریه جاب عراقی که در شماره روز ۲۹ تیر امسال به چاپ رسیده است، می‌گوید: "جبهه کردستانی بنا نیروی دولتی برای کنترول اوضاع همکاری نموده است." وی اضافه می‌کند که "توافقی که اکنون مورد بحث و بررسی قرار دارد، پایهای برای معاهدهای است که ما در مدت بیست سال آنرا به سامان رسانده‌ایم و ما بعد از آنکه بزودی این توافق را امضا کردیم، بخشی از دولت عراق خواهیم شد. زیرا عراق کشور ماست و بعد از آنکه این گفتگوها راپشت سر نهاده‌ایم، به آباد سازی آن روی خواهیم آورد. ما خواهان یک صلح واقعی هستیم آنگونه که دولت ما یعنی دولت عراقی که به صورتی بسیار مثبت ما را درک می‌کند نیز خواهان آنست." مسعود بارزانی در مورد ناآرامی ها در شهرهای سلیمانیه و اربیل می‌گوید: "هیچگونه ناآرامی نبوده و بایستی انتظار سوء تفاهم را داشته باشیم و این امری طبیعی است زیرا دستهایی خارجی هستند که می‌کشند در روند توافق اخلال کنند و این دست ها خوششان نمی‌آید که ما با دولتمانی یعنی دولت عراق توافق کنیم و آنگونه که بودیم متحد و یکی شویم. زیرا عراق کشور ماست."

در همین شرایط دولت ترکیه به سرکوب مبارزین و مردم کردستان ترکیه شدت می‌بخشد و ابعاد این سرکوب را تا محدوده کردستان عراق توسعه می‌دهد. علاوه بر ترکیه، رژیم خمینی رژیم سوریه هر یک بر اساس منافع خود می‌کشند تا مانع پیشرفت مذاکرات شوند و این در حالی است که طرفین اصلی مذاکرات یعنی جبهه

کردستانی و دولت عراق می‌کشند چشم انداز پیشرفت مذاکرات را روشن جلوه دهند. تلویزیون عراق در تاریخ ۱۰ مرداد از قول سعید محمد عبدالوهاب یکی از اعضای رهبری حزب بعث گزارش می‌کند که "گفتگوی برادرانه که رهبری با هیات احزاب کرد انجام می‌دهد مراحل مهمی راپیموده و بیشتر دستورکار خود را به پایان برده است. وی تاکید می‌کند که گفتگو با هیات احزاب کرد تابع شرایط خاصی نبوده بلکه نتیجه اقتصاد مشترکی بود که پیوند صمیمی مبارزاتی سالیان بین اعراب و اکراد را نشان داد." خیرگزاری رومینر - زدر تاریخ ۱۰ مرداد گزارش کرد که دوطرف در گفتگوهای صلح و خودمختاری خود به یک تحول عمده دست یافته‌اند و دوطرف در مورد شکل دموکراسی چند حزبی در عراق تا مین مالی منطقه خود مختار و نقش آینده پیشمرگه‌ها کرد به توافق رسیده‌اند."

رادبو کلن در ۱۱ مرداد امسال گزارشی در مورد مذاکرات پختن می‌کند و از قول جلال طالبانی می‌گوید: "در گفتگو با رهبران عراق مشکلاتی بوجود آمده است. مشکلات مورد مشاجره بخصوص اسعاد خودمختاری برای کردها، تعیین مرزهای مناطق نفوذ و حق کردها برای برقراری رابطه با دولتهای خارجی می‌باشد."

در حالی که بنظر می‌رسد مذاکرات به کندی پیش می‌رود، تلویزیون عراق روز ۲۲ مرداد امسال خبر ملاقات صدام حسین رئیس جمهور عراق با مسعود بارزانی رئیس هیات نمایندگی جبهه کردستانی را پختن نمود و این هر شرایطی است که بعضی نمایندگی های جبهه کردستانی در خارج از عراق نسبت به پیشرفت مذاکرات اظهار نبدینی می‌کنند. اصل روزنامه الثورة در شماره روز ۲۲ مرداد خود از قول علی حسن المجید، وزیر کشور عراق اعلام می‌کند که "توافق با برادران در جبهه احزاب کردستان به زودی اعلام می‌شود." و رادبو فرانسه در تاریخ ۲۵ مرداد از قول عزت ابراهیم معاون رئیس جمهور عراق گزارش کرد که: "بغداد واپوزسیون کرد به عقد پیمانی نهائی نائل آمده‌اند." در تاریخ ۲۸ مرداد مسعود بارزانی همراه با هیات جبهه کردستانی از بغداد به کردستان مراجعت نمود تا در مورد توافقات به عمل آمده بین طرفین، فرماندهی سیاسی جبهه کردستانی را برای تصمیم گیری در جریان قرار دهد.

در روزهای اول شهریور، فرماندهی سیاسی جبهه کردستانی برای بررسی توافقات بعمل آمده تشکیل جلسه داد. روز ۳ شهریور رادبو امریکا از قول روزنامه العراق گزارش نمود که مسعود بارزانی با عزت ابراهیم ملاقات و مذاکره نموده‌اند. رادبو امریکا اضافه نمود که "این دیدار روز شنبه و در حالی صورت گرفت که پارلمان عراق پیش نویس لایحه اجرای سیاست های چند حزبی را تصویب کرد." بهمانگونه که قبلا نیز گفتیم رژیم جمهوری اسلامی بشدت از امضا توافق بین جبهه کردستانی و دولت عراق وحشت داشته و از هر اقدامی در بهم زدن مذاکرات استفاده می‌کند. ولایتی در تاریخ ۴ شهریور در محاصره با روزنامه جمهوری اسلامی می‌گوید: "تا آنجا که ما اطلاع داریم این توافقات به مرحله نهائی نرسیده و اگر هم برسد در کردستان عراق هیچ ضامن اجرایی ندارد. ضمنا آن کسانی که قبلا در امشای قرارداد با حکومت عراق متحد بودند بر اساس اطلاعات ما اختلافاتی در میان آنها ایجاد شده و همه گروههای کرد یکسان فکر نمی‌کنند. بنابراین احتمال

اینکه گفتگوهای صلح بین کردها و حکومت عراق به یک جای جدی برسد کم است."

معلوم است که رژیم خمینی که خود در سرکوب مردم کردستان ایران جنایات بسمار آفریده، هرگز خواستار استقرار خودمختاری در کردستان عراق نیست و بمناسبت لحاظ روی اختلاف در جبهه کردستانی نیز حساب ساز می‌کند. در مورد اختلاف در جبهه کردستانی خبرگزاری رویتر در تاریخ ۶ شهریور از نشست جبهه کردستانی و اختلاف بین مسعود بارزانی که خواستار امضا توافق نامه است) و جلال طالبانی که خواستار گرفتن امتیازات بیشتری است) گزارشی مخابره می‌کند. در تاریخ ۸ شهریور رادیوی حزب دموکرات کردستان عراق اعلام می‌نماید که فرماندهی سیاسی جبهه کردستان در روزهای ۶ و ۷ شهریور "سلسله نشست هایی در باره نتایج مذاکرات در هیات جبهه کردستان و حکومت عراق برگزار کرد. فرماندهی سیاسی جبهه در این نشست ها نظرات خود را در باره ماده ای که درباره تعیین مرز منطقه خودمختار کردستان بود ابراز داشت. فرماندهی سیاسی در این نشست ها بر اتحاد نیروها و توافق برای حل مسئله خلق کرد از طریق صلح آمیز و دموکراتیک تاکید کرد."

رادبو کلن در تاریخ ۹ شهریور از به تعویق افتادن امضا قرارداد بین کردها و حکومت عراق صحبت می‌کند و در مقابل اعلام می‌دارد که رهبران کرد امضا قرارداد را به تعویق انداختند. "اتحاد و یکپارچگی کردها محفوظ بماند." خیرگزاری رویتر در تاریخ ۹ شهریور گزارشی از کردستان عراق مخابره نمود. در این گزارش آمده است "رهبران کرد عراق بانه تاخیر انداختن تصمیم گیری بر سر یک پیمان خودمختاری با بغداد، جلوی تکاپو بالقوه بین دو گروه بزرگ چریکی را گرفتند. جبهه کردستان عراق پس از سه روز گفتگو در روز جمعه به صلحی دست یافت و تصمیم بر این گرفت که حداقل در حال حاضر وحدت، مهمتر از خودمختاری می‌باشد." خیرگزاری رویتر در همین گزارش خود از قول مسعود بارزانی می‌گوید: "ما از دولت توضیحاتی خواهیم خواست و یک تصمیم بلافاصله پس از آن گرفته خواهد شد. من خشنودم وحدت حفظ شده و تصمیم نهائی از آن مردم خواهد بود."

این خیرگزاری اضافه می‌کند که "مقامات کرد در روز جمعه ملاقات کردند تا نامه‌ای را برای ارسال به صدام تهیه کنند و از او بخواهند که وضعیت شیرینخت خیسر کرکوک و مناطق دیگری را که کردها مدعی اند جز منطقه خودمختاری است روشن کند. این نامه که در ضمن در مورد امنیت داخلی در محدوده منطقه خودمختار و رفع دموکراتیک در عراقی سوا لاتی خواهد کرد، در معرض چند روز آینده به بغداد تحویل داده خواهد شد و انتظار می‌رود که جواب آن در عرض ۲ هفته داده شود."

در تاریخ ۲۲ شهریور ملاقاتی بین مسعود بارزانی و عزت ابراهیم در شهر کرکوک صورت گرفت. در این ملاقات که پس از درگیری های اخیر در شهر کرکوک و اطراف آن صورت می‌گیرد، دوطرف روی اهمیت ادامه مذاکرات تاکید می‌کنند. در همین روز مسعود بارزانی در مورد درگیری های اخیر به رادیوی بغداد می‌گوید: "این حوادث بخشی از توطئه‌ای است که دچار آن هستیم ولی این توطئه هرگز مانع اعلام توافق نخواهد شد." همزمان جلال طالبانی برای مذاکره با دولت ترکیه وارد انکارا شد. جلال طالبانی پس از ترکیه به امریکانیز خواهد رفت. جریان مذاکرات اکنون به حساس ترین و در عین حال روشن ترین نقطه خود رسیده است. بنظر می‌رسد که بعضی کشورهای اروپایی به شدت مخالف اعلام توافق هستند. بنظر می‌رسد که برای رسیدن به نقطه قطعی برای تصمیم گیری بعضی جریان‌ها نات درون کردستان عراق که خود را بنیادهای کشورهای اروپایی تنظیم می‌کنند، احتیاج به زمان دارند و بنابراین بحران همچنان ادامه خواهد یافت.

# خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است



# بحران شوروی

از صفحه ۱

ایزوستیا و مسکوینوز. راه محاصره در آوردند.

واکنش اولیه کشورهای جهان با عجله بسیار همراه بود. یوش رئیس جمهور آمریکا این حرکت را برخلاف قانون اساسی شوروی اعلام کرد. و آنرا محکوم نمود. جان سبجر نخست وزیر انگلستان برکناری گورباچف را بسیار ناهنجار توصیف کرد. و از مسکوخواست تمام تمهادهایی را که گورباچف بر عهده گرفت سخترم بشمارد. فرانسه برکناری گورباچف را بیک واقعه قابل توجه توصیف کرد. ولی احزاب و شخصیت های فرانسوی این واقعه را کودتا خوانند. هلموت کهل از رهبران جدید شوروی خواست حفاظت و ایمنی گورباچف را تضمین کنند. ایتالیا نسبت به موفقیت رئیس جمهور جدید شوروی ابراز تردید کرد. ژاپن مراتب نگرانی عمیق خود را از حصول اخیر در شوروی ابراز داشت.

نخست وزیر دانمارک از برکناری گورباچف بشدت نگران گردید. دولت عراق با صدور بیانه های رسمی از سر کناری گورباچف استقبال کرد. بیک مقام سازمان آزادی بخش فلسطین ضمن استقبال از برکناری گورباچف، گفت: رویداد اخیر بار دیگر سوازه های در کار جستجو برای حل عادلانه مسئله فلسطین برقرار می سازد. هند برکناری گورباچف را بیک موضوع داخلی شوروی تلقی کرد. شورای عالی امنیت ملی رژیم خمینی اعلام کرد با توجه به مرز مشترک طولانی و مناسبات گسترده با شوروی و مسائل سهم منطقه ایران تحولات غیر منتظره اخیر ابادقت و حساسیت زیر نظر خواهد داشت. چین تغییرات رخ داده در شوروی را بیک مسئله داخلی توصیف کرد و اظهار امیدواری نمود که مردم شوروی مشکلات خودشان را به وسیله خودشان حل کنند. اسپانیا تهدید کرد اگر در شوروی اختناق برقرار شود اعتبار ۱/۵ میلیون دلا ری خود به شوروی را لغو می کند.

لخ والسا رئیس جمهور لهستان گفت که کشور او همچنان بسوی دموکراسی پیش خواهد رفت و از سردم کشورش خواست که آرامش خود را حفظ کنند. معمرب قذافی رهبر لیبی ضمن استقبال از برکناری گورباچف به رهبران جدید شوروی تبریک گفت. در سودان یکی از رهبران مسلمان تندرو که با دولت روابط نزدیک دارد سقوط گورباچف را تحولی مثبت بشمار آورد و گفت: ممکن است بار دیگر بین آمریکا و شوروی تعادلی بوجود آید. اریل شارون وزیر مسکن اسرائیل گفت بازگشتن چرخ تحولات در شوروی به عقب نشان می دهد که همه گفته ها در مورد نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا ممکن است یک شبه از بین برود. نجیب الله رئیس جمهور افغانستان اعلام کرد که تحولات داخلی شوروی امری صرفا داخلی بوده و اظهار امیدواری کرد که رهبری جدید شوروی به تلاشهای خود برای دستیابی به بیک راه حل مسالمت آمیز برای مسئله افغانستان ادامه می دهد. در این حال کنایه های پانایف در بیک برنامه تلویزیونی اعلام کرد که هیچ راه دیگری بجز دست زدن به اقدامی قاطعانه، برای متوقف کردن سقوط کشور به دامن فاجعه وجود ندارد. وی غذا و تسکن را بیک از اولویست های اصلی خواند و قول داد که مسیر اصلاحات را ادامه دهد. کمیته دولتی کلبه فعالیت های سیاسی را ممنوع و قدرت و اختیارات تمامی مقاماتی که فرامین این

کمیته را انجام ندهند را معلق کرد.

کمیته دولتی در اولین عکس العمل خود به از نشن وک کتب اختیارات کامل داد. نافرمانی کمیته را بسه اجرا در آورد. پانایف اعلام کرد که اکثر جمهوری های شوروی از اقدامات کمیته دولتی حمایت می کنند. وی اقدامات رهبران جمهوری روسیه را سیاسی خطرناک توصیف کرد. ژنرال دیمتری یازوف وزیر دفاع شوروی ضمن خودداری از حمایت کمیته دولتی تشکیل و شکل گیری این کمیته را بدون اطلاع خود اعلام کرد. یلتسین رئیس فدراسیون روسیه اعلام حالت اضطراری در کشور را غیر قانونی اعلام کرد و آنرا خنثی علیه دولت توصیف نمود. آنتالولی یوینف شهردار لنینگراد از دوستان نزدیک یلتسین در بیک سخنرانی که از تلویزیون مجلس این شهر پخش شد از مردم خواست بر علیه کودتا بسه راهی سیاسی بپردازند. جمهوری مولداوی شوروی برکناری گورباچف را محکوم کرد. کمیته دولتی، رادبولتوویزیون فدراسیون روسیه را تعطیل کرد. به گزارش رادبو سکو کارگران بعضی از معادن زغال سنگ در یورت کورتسا در ناحیه کورد لا اعتماد خود را شروع کردند. گزارشات دیگری نیز مبنی بر تعطیلی معادن زغال سنگ در سیبری رسید.

به گزارش رادبو بی بی سی ۲۹ مرداد از مسکو "کمونیست های تندروی سنی" که طرح کودتا را ریخته و آنرا پیاده کرده بودند قصد نداشتند در حال حاضر بسه قهر متوسل شوند. در این حال بیک گردان تانک در حومه مسکو به یلتسین اعلام وفاداری کرده و برای حفاظت از پارلمان روسیه در اطراف آن موضعگیری کرد. بجز جمهوری مولداوی در جزو عکس العمل سایر جمهوری های شوروی احتیاط آمیز و عمدتا کم شدت بود. رهبران اوکراین، قزاقستان، قزاقستان و جمهوری ارمنستان پشتیبانی احتیاط آمیز خود از مقررات قانون اساسی را اعلام کردند.

در تاریخ ۳۰ مرداد تلویزیون شوروی اعلام کرد والنتین یاولف نخست وزیر شوروی و یکی از رهبران کمیته دولتی هشت نفره به دلیل ابتلا به بیماری فشار خون از عضویت در این کمیته برکنار شده است. گزارشات دیگری نیز حاکی از استعفا، ولایسیر کروچکف رئیس ک. گ. ب و عضو دیگر کمیته دولتی بود که با تکذیب مقامات ارشد حکومتی همراه بود. اختلاف و شکاف در میان مقامات پلیس مخفی شوروی بصورت آشکاری خود را نشان داد. روزنامه های مسکو که اجازه انتشار یافتند صفحات اول خود را به اعلامیه های کمیته دولتی اختصاص دادند. تلویزیون و رادبو شوروی کلا در اختیار مقامات جدید قرار گرفت ولی در بعضی از شهرها بخصوم در شرق شوروی صدای رادبو مسکو که اعلامیه های مخالفین را پخش می کرد شنیده می شد. خبرگزاری تاس نیز دعوت به اعتصاب در سراسر کشور اعلام کرد. جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی برای بحث درباره برکناری پلنوم و برکناره، رسمی گورباچف روز سه شنبه ۲۹ مرداد تشکیل شد ولی طرفداران تشکیل پلنوم در اقلیت قرار گرفته و پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی به آینده موکول شد. جمهوری آذربایجان با اعلام پشتیبانی از اقدامات هیئت حاکمه جدید از تلویزیون باکو کارگران این کشور را به حفظ آرامش و وحدت دعوت کرد. جمهوری قزاقستان شوروی با جمله به مقامات کشور خواستار آگاهی اوضاع گورباچف شد. نظریات

رئیس جمهور قزاقستان با انتشار بیک بیانیه رسمی تصمیمات کمیته دولتی را غیر قانونی و نقض کننده حقوق جمهوری های شوروی خواند. جمهوری لیتوانی با رد اولتیماتوم خلع سلاح نیروهای دفاعی خود توسط فرمانده نظامی کرانه بالتیک از سازمان ملل و دولت های جهان کمک خواست. جمهوری استونی نیز با اعلام استقلال کامل خود به مخالفت با دولت مرکزی پرداخت. در جمهوری لتونی نیروهای شوروی مرکز بخش رادبو و مخابرات این جمهوری را اشغال نمودند. اجلاس بکروزه وزیران امور خارجه کشورهای جامعه اروپا که برای بررسی اوضاع در شوروی تشکیل شده بود برکناری گورباچف را محکوم کرده و خواستار ابقای وی در قدرت گردید.

تلویزیون مسکو در روز چهارشنبه ۲۱ اوت برابر با ۳۰ مرداد با قطع برنامه های عادی خود دومین اطلاعیه کمیته دولتی را پخش کرد. در این اطلاعیه درگیری بین نیروهای نظامی و مردم و کشته و زخمی شدن تعدادی از مردم تأیید شد.

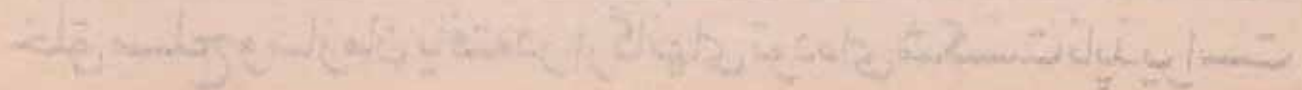
طبق گزارش منابع امریکایی از مجموع نیروهای مستقر در مسکو دو گردان پیاده نظام و اکشن سریع و بیک هنگ از این نیروها مخالفت خود را با حکومت جدید اعلام و حمایت از یلتسین نمودند. رادبو مسکو با پخش گزارشی به نقل از یکی از مقامات وزارت دفاع شوروی نافرمانی پاره ای از نیروهای مسلح اعزامی به مسکو را تکذیب کرد.

## شکست کودتا

در حالیکه اوضاع در شوروی بسیار بحرانی و غیر قابل پیش بینی بود، خبرگزاری تاس روز ۱۲ اوت به طور ناگهانی گزارش داد که به دستور وزارت دفاع همه واحدهای نظامی می باید سریعا از مسکو و دیگر نقاط اشغالی خارج شوند. به گزارش تاس کلبه محدودیت های ایجاد شده در رابطه با مطبوعات برداشته شده است. تعدادی از سیاستمداران شوروی همزمان با این گزارش مسکو را به مقصد کریمه با هدف ملاقات با گورباچف ترک کردند. کنایه پانایف رئیس دولت جدید و کروچکف رئیس ک. گ. ب و آنتالولی لوکیانف سخنگوی پارلمان شوروی و ولادمیر ابوشکف نایب رئیس حزب کمونیست بصورت جداگانه در میان این سیاستمداران بوده اند. از طرفی یکی از مشاورین یلتسین به همراه نخست وزیر فدراسیون روسیه نیز عازم کریمه شدند. گزارش های واسله بعد از گزارش خبرگزاری تاس حاکی از این بود که پارلمان شوروی ضمن اعلام شکست کودتای "کمو. نیست های تندرو"، گورباچف را به عنوان رئیس جمهور شوروی ابقا کرد. شورای عالی شوروی نیز تمام فرامینی را که پس از برکناری گورباچف صادر شد، بی اعتبار اعلام کرد. به سر تنخ وزیر خارجه شوروی که در مدت سه روز گذشته غایب بود ضمن اعلام اینکه دچار تب و سرماخوردگی بوده، کودتا را صحنه ای از تاریخ شوروی که بایسد و بز بخورد نامید و قول داد به تمهیدات خارجی شوروی از جمله حرکت به سوی خلع سلاح و کنفرانس صلح خاور میانه پایبند بماند. رادبو آمریکا در پخش شایگاهی خود به نقل از یوش رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که نامبرده بمدت ۲۰ دقیقه با گورباچف صحبت تلفنی داشته و اوضاع در کنترل گورباچف می باشد.

## نتایج حاصله

اکنون ای اخیر در اتحاد شوروی، تلاش میدو جانسه در صفحه ۱۱





بیانیه

شورای ملی مقاومت

خمینی را شعله‌ورتر ساخته است... با لاگرفتن این تشاد - های داخلی امروز به جایی رسیده که سرتک و لایست فقیه را "بی تحمل" کرده و خود رفسنجانی را به عجز و لایه برای "حفظ وحدت" واداشته است... ساخت رژیمی که خمینی از خود به جا گذاشته میراث خوارش را در دور باطلی انداخته است که از آن راهی نماند...

اما راه رژیم برای جاکردن خود در جامعه جهانی نیز به هیچ وجه هموار نیست... رژیم می‌کند و می‌کند... محبوبات فشار و اختناق داخلی را افزایش دهد و گزینه رژیم جنایت اردوین منفر خواهد شد... نظر داشته باشد تا قربانی توهم آفرینی های دغلتکارانه نشود...

علاوه بر آن، به رغم تمام خوشترقی ها و دم تکیان دادن های اخیر رفسنجانی برای کشورهای عرب منطقه، این کشورها هنوز حاضر نشده اند... رژیم را در پیمان امنیتی که قصد دارند در منطقه تأسیس کنند، شرکت دهند... رژیم، یعنی در مقابل عامل اصلی نا امنی در منطقه است...

شورای ملی مقاومت ایران ۱۳۷۰ / تیر / ۲۰

پاورقی ۱: بدینال ترور بانوان سرانده دکتر کاظم رجوی بقایای رژیم خمینی از خبرنگار روزنامه "لا سوشل" که بسا استناد به سخنان مسئول شورای ملی مقاومت شخصی رفسنجانی را مسئول این جنایت معرفی کرده بود به یک دادگاه سوئیس شکایت کرده و درخواست محاکمه وی را نمودند... جلسات این دادگاه در تاریخ های ۲۷ اردیبهشت ۲۵ و ۲۶ تیر ۷۰ تشکیل گردیده و ادامه آن به روزهای ۹ مرداد میوکول گردیده است...

بحران شوروی

و ناممکنانه جناحی از حزب کمونیست که هنوز از برنامه هاوسن چندین دهه اخیر پیروی می‌کند و شکست محتوم آن بر همگان مخصوص بر مردم شوروی معلوم شده است... اقدام کودتاگرانه شکل کمندی بخود گرفت، نه تنها منجر به تقویت گرایشات کمونیستی در بین مردم نشد، بلکه جریان منطبق راست را در اتحاد شوروی شدت تقویت نمود...

۱. کودتا و روی دادهای متعاقب آن در شوروی نشان داد که حزب کمونیست این کشور قادر نبوده جامعه را به سمت تکامل و در جهت منافع اکثریت مردم رهبری نماید... حزب بجای رهبری مردم برای پیشرفت جامعه و ساختمان سوسیالیسم، به اذاع در دولت سادرت و زریه و عملا به بیك ارگان بیروگر اتیک و جدا از مردم، به نفعی برای رشد نیروهای خلاق جامعه تمدیل شده و در فرون خود منطبق ترین گرایشات و عناصر از قبیل پلستین را پرورش داده است...

۲. کودتا و روی دادهای بعد از آن، فرصتی بدست نیروهای منطبق راست داد تا کئینه بدین خود از انقلاب کبیر اکثیر و رهبری آن لئین را به نمایش بگذارند... کودتاگران با سوء استفاده از لئین و سنت های راستین سوسیالیستی عملا به جاده صاف کن ارتجاع راست تبدیل شون...

۳. کودتا و روی دادهای متعاقب آن و نیز مجموعه تحولات در کشورهای "سوسیالیسم موجود" نشان داد که ساختمان سوسیالیسم بدون توجه به فرایط اجتماعی جامعه و بدون وجود دمکراسی گسترده در جامعه و بدون حمایت قاطعانه و واقعی اکثریت مردم نمی‌تواند تحقق یابد... مردم است را نابود نماید، بجز این و با فشار و شیوه های بیروگر اتیک حتی بر رویانهای سرمایه داری نیز...

ما و سه جریان اجتماعی

جامعه ایران

انقلاب مشروطه تاکنون، تاریخ مبارزاتی پر فراز و نشیبی داشته و تجربیات زیادی برای گذاشته که جنبش مقاومت می‌کوشد از این تجربیات بنوا حسن استفاده نماید...

عشق و فداکاری، سنت های مبارزاتی، میراث های ادبی، علمی و هنری این جریان در طول قرن اخیر بسیار ارزشمند، شگرف و پربار است... مبارزان و هزاران زن و مرد ایرانی در کوشه و کشتار مهین مبارای ترقی و پیشرفت اجتماعی، برای آزادی و دمکراسی، جان خود را فدا کرده اند و بیک فرهنگ غنی در جامعه عقب افتاده سا برجای گذاشته اند...

تاریخ جدید ایران با تلاش و فداکاری این بخش از جامعه ساخته خواهد شد و تمامی کسانی که درع اوسط کنونی از سرنگونی تام و تمام رژیم و لایه فاسد خونگی از طریق مبارزه مسلحانه انقلابی و استقرار دمکراسی و حاکمیت مردمی حمایت می‌کنند و با جریان ارتجاعی و وابسته که "صادق ترین" نمایندگان شاه و خمینی هستند، مبارزندی قاطع، روشن و صریح دارند، وابسته به جریان دمکراتیک هستند...

در شرایط بحرانی و متحول جهانی و در حالی که جنبه جهانی راست یا توجه به شکست "سوسیالیسم موجود" به حلقه ای سبکسنگ علیه جیب انقلابی دست می‌زند و با هیاهو و حوا حولت های ارتجاعی کوشش می‌کند جهان عمیقاً ناآگاهانه کنونی را توجیه نماید، ما باید سیاست خود یعنی سرنگونی تام و تمام رژیم و لایه فقیه خمینی از طریق مبارزه مسلحانه انقلابی و استقرار حاکمیت مردمی و دمکراسی در جهت پیشرفت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جامعه تا کئید مجدد نموده و پیشرفت این سیاست را در گرو فرار گرفتن در جنبه دمکراسی که در شرایط کنونی از طریق مقاومت انقلابی و عدالانه مردم ایران نمایندگی می‌شود، اعلام نماییم...

مهدی سامع شهریور ۱۳۷۰

انتشار تجدید نشریه

در آمده است... در سهام گذشته اوضاع در کشور شوروی شدت متعاقب بود... تعدادی از رهبران شوروی از جمله معاون کوریاچف...

بیمراهی رئیس له، کوب و فرمانده ارتش سرخ دست به کودتایی نا فرجام زدند که مخالفت مردم و جماع بین المللی و انجمنال داشت... در این کودتا که سه روش سالهای گذشته در شوروی انجام شد، طرفداران نظم قدیم سعی بسپوده ای را برای کنترل اوضاع در کشور بخرج دادند که با نظارت و مداخلت های عمومی مردم روبرو شد و در عرض مدت کوناهای شکست خورد و کودتاچیان راه فرار از این پیش گرفتند... منکسایل کوریاچف که در مدت کودتا در محل اقامت نامستانی خود بازداشته شده بود به مسکو برگشت... نتیجه کلی این کودتا تغییر قانونی شدن فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی در پیشروین جمهوری های این کشور و قدرت گرفتن هر چه بیشتر نیروهای راست و طرفدار احیای سرمایه داری به رهبری بورسی پلستین و بدینال آن استقلال اکثریت جمهوری های شوروی بخصوص جمهوری های کرانه بالتیک گردید... قدرت کوریاچف بسیار تضعیف گردید و شوروی در بحرانی بسیار قرار گرفت...

بدینال نشمت عدای کمیته مرکزی در تبریه ارسال تصمیم بر این شد که در پاسخگویی به نیازها و فرورشیهای جدید، انتشار نشریه نبرد خلق از اول سپه ماه سال که متصادف با سالگرد انتشار آن نیز بود، بدینال گرفته شود... نبرد خلق امیدوار است که بتواند در آینده وظایف خود را در تدارک هر چه بیشتر نبردا انقلابی برای سرنگونی بقایای رژیم خمینی به پیش ببرد... مادر این راه و محتاج نیاز مند کمک های مالی خوانندگان نبرد خلق بوده و هر گونه کمکی را بادلگرمی و امتنان پذیر خواهم بسود... نبرد خلق در چارچوب مواضع سیاست های محومه نشمت سپه ماه ۷۰ کمیته مرکزی که در اطلاعیه ۳۰ خرداد ارسال آمده است منتشر می‌شود و این مواضع را تبلیغ می‌نماید... نبرد خلق در محدوده امکانات خود سعی دارد از مسالط و مطالبی که برایش ارسال می‌شود با ذکر نام نویسنده استفاده کرده و خوانندگانش را بابت دیدگاههای مختلف در زمینه های سیاسی و مسائل مربوط به ایران آشناکند... هر گونه پیشنهاد اصلاحی و نقد در هر زمینه می‌تواند سا راه دنیای حقیقت نزدیکتر سازد...

عزیز پاک نژاد مسئول نشریه نبرد خلق

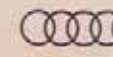
قطنامه در محکومیت رژیم خمینی

از صفحه ۲

ز سومر خه ۲۱/ زوشه ۱۹۱/ به نفع روزنامه نگار سورد بحث رای داد: ۱- تکراری عمیق خود را در رابطه با افزایش شدید نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران خصوصاً آنهایی که مربوط به حق زندگی و حق مصومیت از شکنجه (مصومیت) از رفتار با مجازات خشونت بار ضد انسانی و تحقیر و محروم آزادی و امنیت فردی و حق برخورداری از محاکمه عادلانه و حق آزادی فکر و وجدان، سدهیب و بیان است... از برای دادرز و کمیسیون حقوق بشر درخواست می‌کنند در جهت و هشتمین اجلاسیه حقوق بشر در ماهوریت نمایند، ویژه نظارت بر وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را تسخیم نمایند...

۲- تکراری عمیق خود را نسبت به گوراشانی که حاکی از موح مستمر دستگیری ها و اعدام ها در جمهوری اسلامی ایران و همچنین ترور های سیاسی در خارج خارج از ایران می‌باشد ابوازی دارد... ۳- قدرانی خود را از گزارشگری ویژه با خاطر اطلاعاتی که در گزارش وی به کمیسیون حقوق بشر درباره ترور و فرسور کاظم رجوی منظور شده است ابوازی می‌دارد و تکراری خود را از شرکت ظاهرا مستقیم يك با چند سروس رسی ایران در این قتل بیان می‌کند... ۴- درخواست می‌کند که نماینده ویژه در گزارش بعدی خود به کمیسیون اطلاعات بیشتری در رابطه با تحقیقات حول این موضوع را با توجه به حکم دادگاه پلیس ژنور ۲۱/ زوشه ۱۹۹۱/ اواره نماید...

۵- از جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد فوراً بسا چهل و چهارمین اجلاس خود نسبت به گزارشات ذریبط که توسط گزارشگران ویژه با راگنهای مربوط به حقوق بشر تهیه می‌شود اوصحنین اقداماتی که توسط مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و کمیسیون حقوق بشر برای جلوگیری از نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران انجام شده است، با خبر سازد... ۷- تسمم می‌کیرد که وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و منجمله وضعیت اقلیت هایی مانسند بهای هزار نفر چهل و چهارمین اجلاس خود بررسی نماید...





### اخبار و رویدادها....

## برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:  
 ۲۸ مهر ۱۳۴۸ - تولد ستارخان، سردار ملی جنبش مشروطیت ایران  
 ۲۴ مهر ۱۳۸۷ - تشکیل نخستین گروه سوسیالیست دمکرات در تبریز  
 ۹ مهر ۱۳۰۰ - شهادت حیدرخان عمواغلی از رهبران برجسته حزب کمونیست ایران  
 ۱۱ مهر ۱۳۰۰ - شهادت کفعلی محمدتقی خان پسیان  
 ۲۴ مهر ۱۳۱۸ - شهادت فرخی بزدی، شاعر انقلابی و سردمی تاریخ معاصر ایران  
 ۱۰ مهر ۱۳۲۰ - اعلام موجودیت حزب توده ایران  
 ۲۴ مهر ۱۳۲۰ - تصویب قانون عفو عمومی زندانیان سیاسی در مجلس دوازدهم  
 ۱۳ مهر ۱۳۲۶ - امضای قرارداد های نظامی بین دولت شاه و آمریکا برای افزایش نفوذ امپریالیسم امریکادارافتش شاه  
 ۲۲ مهر ۱۳۲۸ - تشکیل جبهه ملی توسط دکتر محمد مصدق  
 ۲۴ مهر ۱۳۳۱ - قطع مناسبات سیاسی بین دولت ایران و انگلیس توسط دکتر مصدق  
 ۲۹ مهر ۱۳۳۲ - سمیت یافتن موافقت نامه ساعد در نفوس که به موجب آن ژاندارمری برای "تجدید سازمان" در اختیار افسران امریکایی قرار گرفت.  
 ۱۶ مهر ۱۳۳۲ - انجام اولین تظاهرات مردم بعهد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲  
 ۲ مهر ۱۳۳۲ - امضا قرارداد های جدید رژیم شاه با دولت آمریکا برای ورود هر چه بیشتر کالاهای امریکایی به ایران و معافیت واردکنندگان از حقوق گمرکی  
 ۲۷ مهر ۱۳۳۲ - تیرباران نخستین گروه از افسران مبارز وابسته به حزب توده  
 ۹ مهر ۱۳۳۲ - پیوستن رژیم شاه به پیمان سنتو توسط دولت علا  
 ۱۸ مهر ۱۳۳۷ - اعتصاب ۵ روزه کارگران بندر شاهپور برای اضافه دستمزد  
 ۲۴ مهر ۱۳۳۴ - آغاز محاکمه متهمین به ترور شاه در کاخ مرمری  
 ۱۷ مهر ۱۳۳۵ - عزالت رفقا همایون کتیرایی، هوشنگ تره گل، ناصر کریمی، مهمل طاهرزاده و ناصر صفی از گروه ارمان خلق  
 ۱۹ مهر ۱۳۵۱ - شهادت مجاهد خلق مهدی حسین در درگیری با مزدوران ساواک شاه  
 ۱۸ مهر ۱۳۵۲ - اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز  
 ۱۰ مهر ۱۳۵۷ - انتقال خمینی از عراق به کویت و سپس به پاریس  
 ۲۶ مهر ۱۳۵۷ - شروع اعتصاب بزرگ کارگری و کارمندی در سراسر کشور و منجمله در پالایشگاه نفت شیراز، نساجی بزد، ذوب آهن اصفهان، گمرک جلفا، گمرک بندر شاهپور، معلمان سراسر ایران، پالایشگاه و تاسیسات نفت آبادان گروه صنعتی سپهر، تاسیسات نفت اهواز و نفت خازک  
 ۲۴ مهر ۱۳۵۷ - به آتش کشیده شدن مسجد جامع کرمان توسط عمال رژیم شاه  
 ۲۲ مهر ۱۳۵۸ - به خون کشیدن صیادان بندر انزلی توسط مزدوران رژیم خمینی  
 ۵ مهر ۱۳۶۰ - تظاهرات قهرمانانه و مسلحانه میهنپسایان در صفحہ ۸



دریای تکریمی ایستاد خانه را روشن می کند و می میرد

### شهادت فدایی شهیدان

رفقای فدایی:  
 جنگیز قبادی - محمد علی سالمی - سید نوزادی - حسن حامدی مقدم - غلامرضا صفری - حسین علی زاده - رحمت شریفی - حسن جلال نائینی - لقمان مدائن - جهانشاه سعیدی اصفهانی - محمدرضا فرشاد - زیلا سیاب - پروین فاطمی - اسماعیل بیدشهری - زهرابید شهری - مصطفی رسولی - مهروش ابراهیمی - منوچهر بهایی پور - سید احمد لاری - کریمت قبادی - سیامک اسدیان (اسکندر) - مسعود بربری - غلامرضا صفری - فریبا شفیعی - ابراهیم شفیعی - علی حسن پور - محمد کس لزاری - غلامحسین وندزاده - مهدی خانواده - عبدالله بزدانی - علی محمد نژاد - مریم توسلی - فاطمه روغن چی - عزت الله معلم - سید ربیع حسینی - رمضان قربانی - شهسوار شفیعی - جعفر دلیر - بهرام بلوکی - روح الله الناسی - غلامحسین سعیدی - احمد سلیمانی - عباس گوهرزی - حسن سعید - حسن جان لنگسوری - کد سران علوی - فرشید فرجاد - احمد کیانی - از سال ۵۰ تاکنون در بیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیم های شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

آدرس پستی نشریه نبرد خلق در فرانسه تغییر کرده است از خوانندگان نبرد خلق و کسانی که با نشریه مکاتبه دارند خواهش می کنیم با آدرس جدید با ما ارتباط برقرار کنند.

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید  
**NABARD**  
**B.P 20**  
**91350 GRIGNY CEDEX**  
**FRANCE**  
 با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.  
 کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، با مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قشور رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

### حساب بانکی

SOCIETE GENERALE نام بانک  
 BOULOGNE - 5 - SEINE آدرس بانک  
 03760 کد گیشه  
 00050097851 شماره حساب  
 MME; R - I - TALAT نام صاحب حساب

روز ۱۵ مرداد ۱۵ سال تروریست های رژیم جمهوری اسلامی، شاپور بختیار، آخرین نخست وزیر رژیم شاه را در خانه منگونی این درباری با ضرب چاقو ترور کردند.  
 سازمان چریک های فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن این اقدام جنایتکارانه دارو دسته رفیقانسی، خواستار تعطیل سفارت رژیم خمینی در فرانسه است.  
 لازم به تذکر است که این ترور، چهارمین اقدام جنایت کارانه رژیم طی ۵ ماه اول سال جاری می باشد. رژیم خمینی در ۲۹ فروردین امسال، عبدالرحمن برومند را در پاریس به ضرب چاقو ترور نمود. در ۱۳ تیر امسال، کاپور بولومتریج ایتالیایی کتاب آیات شیطان، مورد حمله تروریست های رژیم در ایتالیا قرار گرفت و شدت زخمی شد. در ۱۳ تیر امسال هینوتی ایگاریش متزوج زاپنسی کتاب آیات شیطان به ضرب چاقوی تروریست های رژیم در ژانویه کشته شد. و با لآخره در ۱۵ مرداد امسال شاپور بختیار و یکی از همراهان او بنام سروش کتیبه توسط عوامل جمهوری اسلامی در فرانسه ترور شدند.

### حجاب اسلامی

موسوی تبریزی دادستان جنایتکار رژیم خمینی در یک گفتگوی رادیویی با نشان دادن اوج تساوت و بی رحمی خود وهم بالگنجهایش اعلام کرد که "زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نکنند مرتد شناخته شده و مجازات مرتدین طبق قوانین اسلام اعدام است". دادستان پیوسته سبز رژیم در مقابل عکس العمل منفی رسانه های بین المللی که این موضوع را به شدت انعکاس داده بودند مجبور به پی گرفتن سبملات خود شده و اظهارات رسانه های غربی را "دروغ محض" خواند.

### کمبود وگراتی

طبق اعلام بانک مرکزی ایران در میدان های میوه فروشی وابسته به شهرداری در تهران میوه و سبزی تا ۲۰ درصد گرانتر از نرخ رسمی به فروش می رسد. مسئول اخبار مبنی بر فعالیت های شهرداری تهران که به سه آراستن خیابان ها و معابر عمومی مشغول است گزارشاتی مبنی بر سوء استفاده های کلان این شخص انتشار می یابد. در یک مورد به یک تاجر که تقاضای دیدار و گفتگو با شهردار تهران را داشته است می گویند قبل از هر چیز دو عدد توبوتای ژاپنی بدهید تا شهردار با شما صحبت کند. در مورد دیگری یک بازاریاب فروش که تقاضای ساختن دو طبقه پارکینگ را در نزدیکی بازار داشته، شهردار می گوید بشرطی می تواند این کار را بکند که بجای دو طبقه، چهار طبقه بسازد و دو طبقه آنرا به شهرداری بدهد. این اقدامات در پوشش مبارزه با مستکبرین صورت می گیرد ولی درآمدهای آن مستقیم به جیب شهردار ریخته می شود.

### NABARD E KHALGH NO:77

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید.

HOVE, YAT  
 P.O.BOX 2891  
 RESTON, VA 22090  
 U.S.A  
 آمریکا  
 HOVIAT  
 POSTERESTE  
 MIMERS GADE, 118  
 2200 -DARRARR--  
 دانمارک  
 P.L.K  
 Nr. 039999 D  
 5000 KOLN  
 W. GERMANY  
 آلمان غربی